

تجارت در عصر عُسرت



اقتصاد کشورمان در شرایطی نیمی از سال جاری را پشت سر گذاشته که مرز بین تحولات داخلی و رویدادهای بیرونی بیش از گذشته کمرنگ شده است.



اداستان جلد شماره ۱۲۴

تجارت
در عصر عُسرت

۲

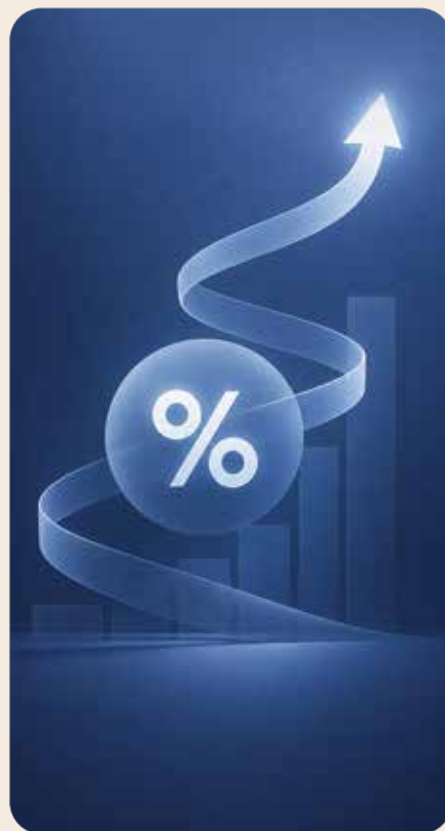
مقدمه

اقتصاد کشورمان در شرایطی نیمی از سال جاری را پشت سر گذاشته که مرز بین تحولات داخلی و رویدادهای بیرونی بیش از گذشته کمرنگ شده است. تصمیمهای اقتصادی بنگاهها، رفتار مصرفکنندگان و روند فعالیت بازارها، همزمان از مجموعه‌ای از عوامل پولی، مالی، تجاری و سیاسی تأثیر می‌گیرند. در چنین شرایط در حال تغییری، آنچه اهمیت دارد، شناخت ارتباط بین بخش‌های مختلف اقتصاد و درک چگونگی انتقال شوک‌ها از یک بخش به بخش دیگر است.

در بازارهای مالی، تغییرات نرخ بهره، تحولات بازار ارز و طلا و نوسانات بازار سرمایه، هر یک بخشی از تصویری بزرگ‌تر را بازتاب می‌دهند. این بازارها در عین حال که تحت تأثیر انتظارات و شرایط عمومی اقتصاد قرار دارند، بر تصمیم‌های مربوط به پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی نیز اثر می‌گذارند. برای بنگاه‌های اقتصادی، این تحولات علاوه بر اینکه بازتاب تغییرات قیمتی هستند، به معنای تغییر در هزینه فعالیت، دشواری برنامه‌ریزی و ضرورت بازنگری در تصمیم‌های اقتصادی نیز قابل تعبیرند.

در سوی دیگر، بخش حقیقی اقتصاد با مسئله‌ای اساسی‌تر روبه‌روست: حفظ و تقویت ظرفیت تولید. سرمایه‌گذاری، به عنوان یکی از پایه‌های اصلی رشد اقتصادی، تحت تأثیر نااطمینانی و محدودیت منابع است. کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی، دشواری نوسازی تجهیزات و محدودیت دسترسی به منابع مالی، پرسش‌هایی جدی درباره مسیر آینده تولید و توان اقتصاد برای گسترش ظرفیت‌های خود ایجاد می‌کند. علاوه بر این، تجارت خارجی و صنعت نیز در معرض مجموعه‌ای از محدودیت‌ها قرار دارند که پیامدهای آنها به تدریج در فعالیت و زنجیره‌های تأمین دیده خواهد شد.

تغییر رفتار مصرف‌کنندگان، گسترش شیوه‌های جدید خرید و جابه‌جایی تقاضا میان بازارها، نشان می‌دهد حتی در شرایط دشوار نیز الگوهای فعالیت اقتصادی ثابت نمی‌مانند و بنگاه‌ها لازم است راه‌های سازگاری با محیط جدید را پیدا کنند.





فهرست مطالب

نمای بازارها		
بازار پول	۵۴	
پول اندر خانه تاریک	۵۴	
ریسک نرخ بدون ریسک	۵۵	
بازار کالا و خدمات	۵۶	
تولید متورم	۵۶	
بازگشت به صعود	۵۷	
بازار ارز	۵۸	
روند واگرا	۵۸	
بازار طلا	۵۹	
پناهگاه پول	۵۹	
بازار سرمایه	۱۰	
سرخوشی شاخص‌ها	۱۰	
بهبود ارزندگی	۱۱	
تأمین مالی از بدهی	۱۲	
بازگشت بانک‌ها به حراج	۱۳	
نگاه کلان		
سرمایه‌گذاری	۱۴	
توقف رشد سرمایه‌گذاری با کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۱۴	
الگوی متفاوت رشد اجزای تشکیل سرمایه	۱۵	
خطر پیشی گرفتن استهلاک از سرمایه‌گذاری جدید	۱۶	
سهم ناچیز ایران از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۱۷	
تجارت	۱۹	
بقای شوک تجاری جنگ	۱۹	
خدا حافظی شرکت‌های کوچک و متوسط بازنجیره ارزش جهانی	۲۰	
صنعت	۲۲	
افت تولید صنعتی در کنار تداوم فشارهای تورمی	۲۲	
صدای پای رکود تورمی از بخش صنعت	۲۴	
خدمات	۲۵	
اقتصاد گردشگری ایران؛ از ساختار بازار تا چشم‌انداز رشد	۲۵	
تحولات خرید اینترنتی؛ از افت اسفند ۱۴۰۴ تا رکورد مرداد ۱۴۰۵	۲۷	
تعداد خریدهای اینترنتی	۲۸	
تحولات واقعی تراکنش‌ها در سایه شوک‌ها	۲۹	
معرفی کتاب		
شاه دلار: گذشته و آینده ارز مسلط جهان	۳۰	
عصر گسست: چگونه بازگشت ژئوپلیتیک اقتصاد جهانی را بخش‌بندی خواهد کرد؟	۳۱	



پول اندر خانه تاریک



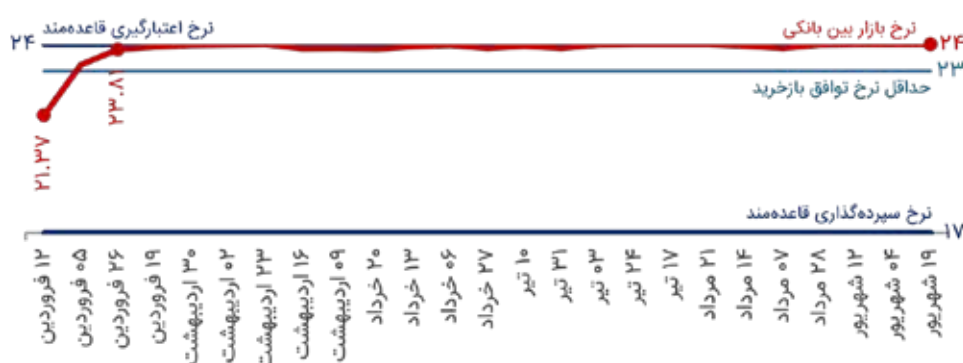
با وجود عدم انتشار کل‌های پولی، بازار پول را می‌توان از منظر نرخ‌های بهره بررسی کرد. دالان نرخ بهره، چارچوب عملیاتی بانک مرکزی برای هدایت نرخ‌های بازار پول است. این ساختار شامل «نرخ سپرده‌گذاری قاعده‌مند» به عنوان کف حمایتی، «نرخ اعتبارگیری قاعده‌مند» به عنوان سقف تنبیهی و «حداقل نرخ توافق با خرید» به عنوان نرخ هدف است. «نرخ سود بین بانکی» نیز قیمت واقعی و روزانه وام دادن بانک‌ها به یکدیگر است. از ابتدای سال جاری، نرخ سپرده‌گذاری ۱۷ درصد، اعتبارگیری ۲۴ درصد و توافق با خرید یا ریپو ۲۳ درصد بوده است. نرخ بازار بین‌بانکی که سال را از حدود ۲۰.۵۸ درصد آغاز کرد نیز در طول سال صعودی شد و از مرداد، روی سقف ۲۴ درصد قرار گرفت.

با وجود گذشت حدود نیمی از سال، آمار متغیرهای پولی و اعتباری به‌روز نشده‌اند و اطلاعی از جزئیات آنها از جمله پایه پولی و نقدینگی و روند این متغیرها در سال جاری در دسترس نیست. تا پایان سال ۱۴۰۴، حجم نقدینگی با ۵۳.۳ درصد رشد نسبت به سال قبل به بیش از ۱۵ هزار و ۵۸۱ هزار میلیارد تومان رسید و پایه پولی نیز با رشد ۶۱.۵ درصدی، حدود ۲ هزار و ۱۹۶ هزار میلیارد تومان شد.

در صورت تداوم این روند در ۶ ماه نخست سال جاری، انتظار می‌رود با وجود انبساط اسمی کل‌های پولی در پایان سال ۱۴۰۴، شبکه بانکی در تأمین تقاضای تسهیلات بنگاه‌های اقتصادی، با چالش مواجه شود. این چالش را می‌توان در تسهیلات اعطایی بانک‌ها مشاهده کرد.

۴

دالان نرخ بهره از ابتدای سال ۱۴۰۵ تاکنون بر حسب درصد



بانک مرکزی

منبع

در شرایطی که نرخ تورم بیش از نرخ بین بانکی قرار دارد، رسیدن نرخ بین بانکی به سقف ۲۴ درصد، نشانه تنگنای اعتباری در شبکه بانکی است. نرخ بهره حقیقی منفی، تقاضا برای تسهیلات را افزایش می‌دهد اما بانک‌ها به دلیل کسری ذخایر، دست به سهمیه‌بندی اعتبارات می‌زنند که موجب محدودیت در دریافت تسهیلات توسط کسب و کارها می‌شود.



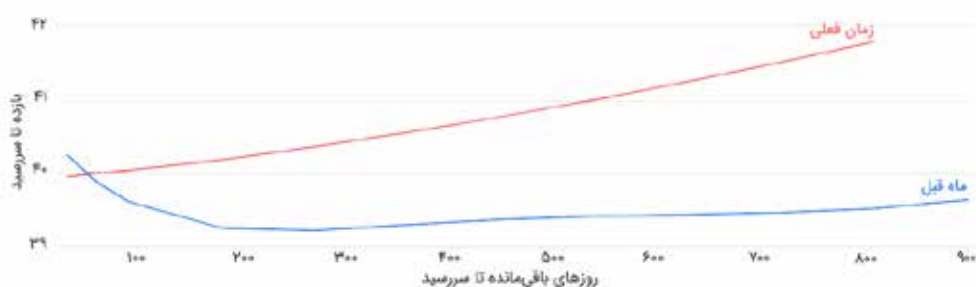
ریسک نرخ بدون ریسک



بودند؛ از اواخر مرداد تا اواخر شهریور یک روند صعودی شکل گرفته است که در آن نرخ بازده از حدود ۳۹.۹ درصد در کوتاه مدت آغاز شده و با شیبی ملایم و پیوسته تا بیش از ۴۱.۸ درصد در سررسیدهای بلندمدت افزایش پیدا کرده است. به عنوان مثال، نرخ بازده اوراقی که ۹۰ روز تا سررسید آن باقی مانده بود در ماه گذشته ۳۹.۵ درصد بوده، اما هم‌اکنون در سررسیدهای مشابه این نرخ برابر با ۴۰.۰۳ درصد است و با حرکت به سمت سررسیدهای طولانی‌تر، این نرخ رو به افزایش است.

اسناد خزانه اسلامی یا «اخزا» یکی از انواع اوراق بدهی است که دولت برای تسویه تعهدات مالی خود به پیمانکاران منتشر می‌کند. نرخ بازده این اوراق به عنوان شاخصی برای تعیین نرخ بهره بدون ریسک در بازار پول و سرمایه در نظر گرفته می‌شود و در برآورد هزینه تأمین مالی ابزارهای دیگر نظیر «اوراق شرکتی» نقش دارد. بررسی منحنی بازده اسناد خزانه اسلامی نشان می‌دهد، در مقایسه با ماه گذشته که منحنی بازده رفتاری غیریکنواخت داشت و نرخ‌ها در سررسیدهای کوتاه مدت و بلندمدت، بالاتر از سررسیدهای میان مدت

بازده اسناد خزانه اسلامی بر حسب درصد



فراپورس

منبع

تغییر و صعودی شدن منحنی بازده اخزا به معنای افزایش نرخ بهره بدون ریسک و گران‌تر شدن پول در اقتصاد است. پیامد اصلی این وضعیت، رشد هزینه‌ی تأمین مالی برای بنگاه‌های اقتصادی خصوصی و نیز دولت خواهد بود.

زمانی که نرخ بدون ریسک در سطوح بالاتری قرار می‌گیرد، بنگاه‌ها برای جذب سرمایه و انتشار اوراق جدید ناچارند سودهای جذاب‌تر و بالاتری به سرمایه‌گذاران پیشنهاد کنند. این موضوع بر گردش نقدینگی شرکت‌ها فشار وارد می‌کند و به مرور زمان ممکن است حاشیه سود عملیاتی بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی را کاهش دهد.



تولید متورم



تورم نقطه به نقطه تولیدکننده کل (تغییرات بهار ۱۴۰۵ نسبت به بهار ۱۴۰۴) به ۹۸.۹ درصد رسیده که در مقایسه با فصل قبل، افزایش ۳۳.۸ واحد درصدی هزینه تولید را نشان می‌دهد. همچنین نرخ تورم سالانه تولیدکننده کل در چهار فصل منتهی به بهار ۱۴۰۵ به ۶۶.۷ درصد رسید که ۱۵.۵ واحد درصد بالاتر از فصل زمستان ۱۴۰۴ است.

بر اساس آمار منتشرشده در شاخص قیمت کل تولیدکننده برای فصل بهار ۱۴۰۵ عدد شاخص کل به ۶۱۴.۱ رسیده است. در این فصل، تورم فصلی تولیدکننده کل برابر با ۲۸.۳ درصد بود که در مقایسه با تورم فصلی زمستان ۱۴۰۴ (۲۴.۸ درصد)، نشان دهنده افزایش ۳.۵ واحد درصدی در سرعت رشد قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان است.

تورم شاخص قیمت تولیدکننده به تفکیک بخش‌های اصلی در بهار ۱۴۰۵

فصلی	نقطه به نقطه	سالانه
کشاورزی	۱۷	۱۴۴
صنعت	۳۶	۱۰۹
معادن	۱۸	۷۷
کل تولیدکننده	۲۸	۹۹

مرکز آمار

منبع

با ۷۶.۲ درصد بوده است. این دو زیربخش به ترتیب با ۱۷۶.۲ درصد و ۱۶۳.۴ درصد بالاترین نرخ‌های تورم نقطه به نقطه را در بهار ۱۴۰۵ داشتند. بیشترین تورم سالانه نیز مربوط به تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی با ۹۶.۸ درصد و تولید محصولات غذایی با ۹۲.۳ درصد بوده است. زیربخش‌های معدنی شامل سه گروه اصلی است که در آن بیشترین تورم فصلی مربوط به استخراج سایر معادن با ۲۲.۹ درصد، بیشترین تورم نقطه به نقطه مربوط به استخراج کانه‌های فلزی با ۸۲.۶ درصد و بیشترین تورم سالانه مربوط به استخراج زغال‌سنگ با ۷۲.۶ درصد بوده است.

بررسی تفکیکی زیربخش‌های کشاورزی نشان دهنده بیشترین تورم فصلی در گروه‌های سایر محصولات زراعی با ۶۶.۹ درصد و مرغداری صنعتی با ۶۲.۹ درصد بوده است. مرغداری صنعتی با ۲۱۱.۲ درصد و غلات با ۱۸۳.۹ درصد بالاترین رشد قیمت را نسبت به بهار سال قبل تجربه کردند. همچنین بیشترین تورم سالانه مربوط به غلات با ۱۱۸.۳ درصد و مرغداری صنعتی با ۱۰۲.۰ درصد بوده است.

تنوع زیربخش‌های صنعتی شامل ۲۳ زیرگروه، پراکندگی تورم نهاده‌ها را نشان می‌دهد. بیشترین تورم فصلی مربوط به تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو با ۱۰۷.۴ درصد و تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی

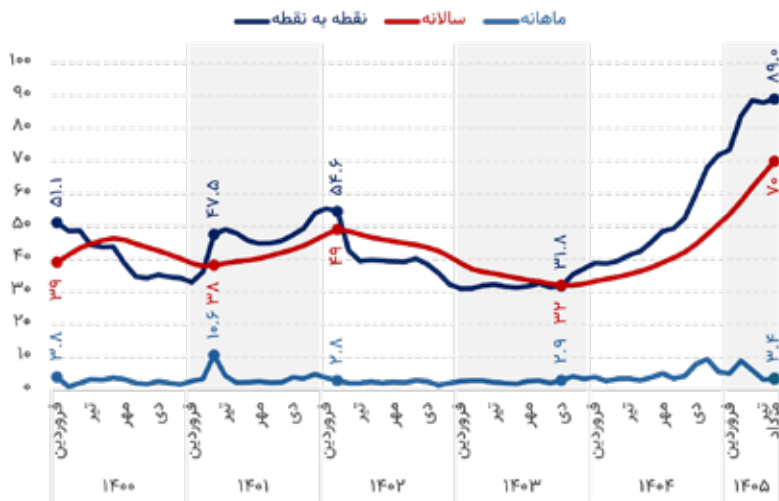
با ۲ برابر شدن قیمت نهاده‌ها در یک سال، بنگاه‌ها برای حفظ سطح فعلی تولید نیازمند افزایش سرمایه در گردش هستند. تلاش بنگاه‌ها برای انتقال کامل این رشد هزینه‌ای به مصرف‌کننده نهایی، با کاهش قدرت خرید خانوارها مواجه و به رکود در فروش و افت حجم تولید منجر می‌شود. در شرایط تورم‌های بالا لازم است بنگاه‌ها قراردادهای فروش خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که فواصل تعدیل قیمت کاهش یابد. همچنین با توجه به تورم بالا در بخش‌های لاستیک، پلاستیک، کاغذ و خوراک صنعتی، پیش‌خرید و قراردادهای بلندمدت با تأمین‌کنندگان می‌تواند به عنوان پوشش ریسک افزایش قیمت، مورد توجه بنگاه‌های اقتصادی باشد.



بازگشت به صعود

نرخ تورم سالانه کل کشور با افزایش ۳.۹ واحد درصدی در مرداد ۱۴۰۵ به ۶۹.۹ درصد رسید. در عین حال تورم نقطه به نقطه و تورم ماهانه نیز هر دو افزایشی بودند. شاخص قیمت مصرف‌کننده کل کشور در مرداد ۱۴۰۵ نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۸۹ درصد رشد داشته است. تغییرات شاخص قیمت‌ها در مرداد ۱۴۰۵ در مقایسه با تیر ۱۴۰۵ برابر با ۳.۴ درصد بوده که افزایش ۰.۳ واحد درصدی را نسبت به ماه قبل نشان می‌دهد.

نرخ تورم مصرف‌کننده از سال ۱۴۰۰ تاکنون بر حسب درصد



مرکز آمار

منبع

گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات

تورم نقطه به نقطه

۱۲۸.۱%

تورم ماهانه

۳.۶%

در این گروه مانند ماه قبل، زیربخش «روغن‌ها و چربی‌ها» با تورم نقطه به نقطه ۲۵۸.۲ درصد بیشترین رشد را در مرداد ۱۴۰۵ تجربه کرده است. در تورم ماهانه نیز سبزی‌ها (سبزی‌ها و حبوبات) بیشترین افزایش را با نرخ تورم ۹.۳ درصد نشان می‌دهد.

کالاهای غیر خوراکی و خدمات

تورم نقطه به نقطه

۶۷.۶%

تورم ماهانه

۳.۳%

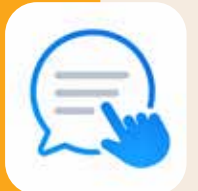
در بین زیربخش‌های این گروه، بیشترین تورم نقطه به نقطه مرداد ۱۴۰۵ مربوط به «مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها» با ۱۱۷.۸ درصد بوده است. بررسی تورم ماهانه نشان می‌دهد آب و برق و سوخت با ۸.۴ درصد بالاترین تورم ماهانه کالاهای غیر خوراکی و خدمات را داشتند.

درصد است و از این نظر، شکاف ۱۵.۴ واحد درصدی بین روستا و شهر وجود دارد که در مقایسه با ماه قبل که ۱۴ درصد بود، شاهد افزایش شکاف تورمی بین شهر و روستا نیز هستیم. علاوه بر تورم سالانه، تورم نقطه به نقطه روستایی نیز در مرداد ۱۴۰۵ بیش از مناطق شهری بوده و با ۱۰۸.۴ درصد برای چهارمین ماه متوالی، سهرقمی شده است. در دهک‌های هزینه‌ای نیز چنین تفاوتی وجود دارد. دهک دوم با تورم سالانه ۷۸.۳ درصد بیشترین تورم بین دهک‌ها را در مرداد ۱۴۰۵ داشته است. تورم سالانه دهک اول نیز ۷۷.۳ درصد بوده این در حالی است که خانوارهای دهک دهم کمترین نرخ تورم یعنی ۶۷.۶ درصد را در مرداد ۱۴۰۵ تجربه کرده‌اند.

بررسی نرخ تورم سالانه استانی نشان می‌دهد استان تهران در مرداد ماه نیز با تورم ۵۸.۲ درصدی، همچنان کمترین نرخ تورم سالانه را برای ۷ ماه متوالی از بهمن ۱۴۰۴ تا مرداد ۱۴۰۵ در مقایسه با سایر استان‌های کشور داشته است. علاوه بر این، فاصله تورم سالانه استان تهران در مقایسه با استان‌های بعد از خود، ۸.۱ درصد است. استان‌های اصفهان و البرز هر دو با تورم سالانه ۶۶.۳ درصدی در رتبه دوم استان‌های با تورم پایین قرار دارند.

مقایسه تورم در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد نرخ تورم سالانه خانوارهای روستایی در مرداد ۱۴۰۵ به ۸۳.۱ درصد رسیده در حالی که برای خانوارهای شهری ۶۷.۷

از آنجایی که سهم عمده درآمد دهک‌های کم‌درآمد و متوسط صرف تأمین خوراکی‌ها و مواد غذایی پایه می‌شود در دوره‌های تورم بالای این اقلام، انتظار می‌رود تقاضا برای کالاهای بادوام، برخی اقلام سبک خدمات و نیز اقلام غیرضروری کاهش یابد و این کاهش تقاضا، کسب‌وکارهای این حوزه‌ها را با کاهش فروش مواجه کند. از سوی دیگر از آنجایی که تورم در تهران در مقایسه با دیگر استان‌ها کمتر بوده می‌توان گفت قدرت خرید ساکنان این استان به طور میانگین از سایر استان‌ها و به‌ویژه مناطق روستایی، بالاتر است. بنابراین شرکت‌های پخش و زنجیره‌های تأمین کشوری می‌توانند در صورت توان با در نظر گرفتن استراتژی فروش منطقه‌ای، سهم خود در این مناطق و دهک‌ها را تا حدی حفظ کنند.



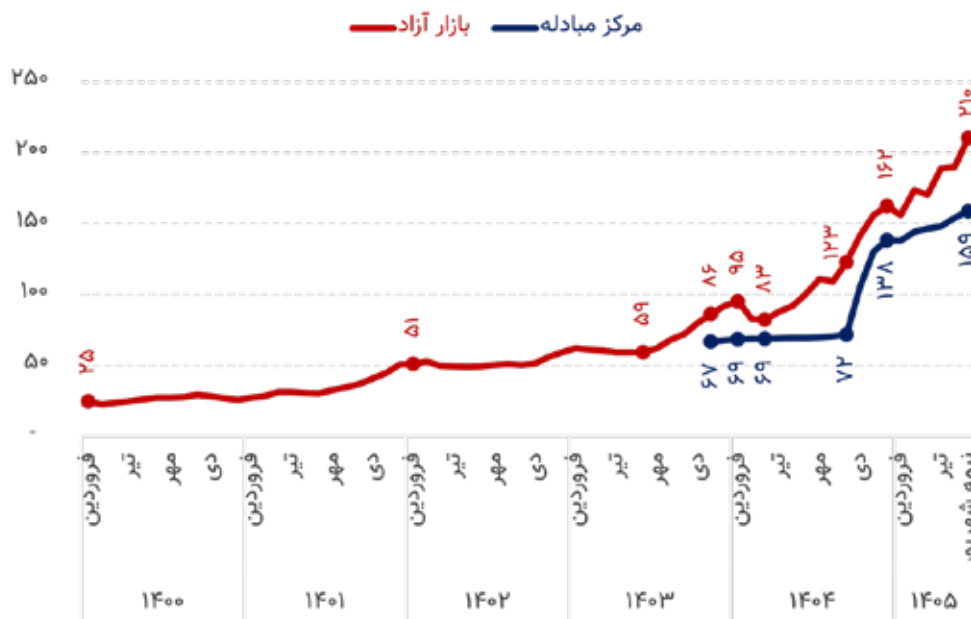


روند واگرا

نیز به طور میانگین حدود ۱۵۹ هزار تومان معامله شده که رشد ۱۵ درصدی را نسبت به ابتدای سال نشان می‌دهد. بر این اساس، شکاف نرخ آزاد و مبادله‌ای در نیمه شهریور ۱۴۰۵ به طور متوسط بیش از ۵۱ هزار تومان بوده که نشان‌دهنده افزایش شکاف دو نرخ در مقایسه با ماه قبل است.

مسیر صعودی دلار در بازار آزاد و مرکز مبادله تا شهریور ماه نیز ادامه داشت. بر این اساس، تا نیمه شهریور سال ۱۴۰۵ هر دلار در بازار آزاد به طور متوسط بیش از ۲۱۰ هزار تومان معامله می‌شد که نسبت به شروع سال جاری، رشد ۳۵ درصدی را نشان می‌دهد. هر دلار در مرکز مبادله ارز

میانگین ماهانه نرخ دلار بر حسب هزار تومان



«شبکه اطلاع‌رسانی طلا، سکه و ارز» و «مرکز مبادله ارز و طلای ایران»

منبع

به دلیل شرایط حاکم بر مسیرهای حمل و لجستیک کالا که در طول جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران آغاز شد و پس از آن نیز تا حدی ادامه پیدا کرد، صادرات کاهش یافته باشد و این کاهش صادرات، اثر خود را بر درآمدهای ارزی و عرضه ارز گذاشته باشد.

بخشی از افزایش این شکاف را می‌توان به انتظارات تورمی و بخشی از آن را به برآوردها از کاهش صادرات و در نتیجه، افت درآمدهای ارزی نسبت داد که موجب کاهش عرضه ارز در بازار آزاد می‌شود. با اینکه آمارهای تجارت خارجی کشور از دی‌ماه ۱۴۰۴ به این سو، منتشر نشده‌اند اما به نظر می‌رسد

با افزایش شکاف نرخ ارز رسمی و آزاد، تولیدکنندگان و تجار بیش از پیش در پیش‌بینی قیمت مواد اولیه و هزینه‌های تولید و برآورد قیمت تمام‌شده کالاهای خود دچار چالش می‌شوند. برای مدیریت این ریسک‌ها کسب‌وکارها می‌توانند تناسب بین تعهدات ارزی و درآمد صادراتی خود را در نظر بگیرند و نیز موجودی مواد اولیه و نهاده‌های تولید را به گونه‌ای مدیریت کنند که پیامدهای منفی افزایش هزینه‌های جایگزینی به حداقل برسد.





پناهگاه پول

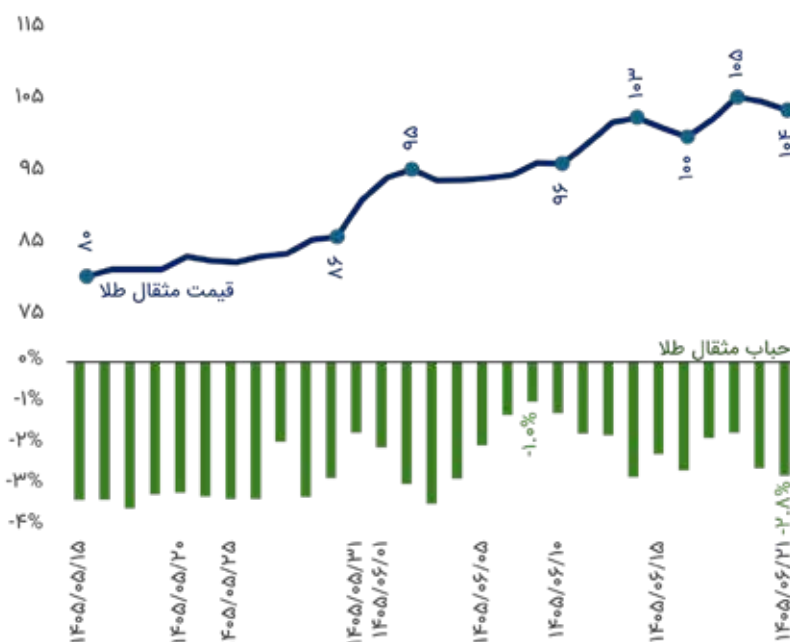
میانگین قیمت اونس جهانی طلا در آگوست ۲۰۲۶	۴,۴۱۰ دلار
ورود جهانی پول به صندوق‌های قابل معامله طلا در آگوست ۲۰۲۶	۱۸ میلیارد دلار

بر این اساس، مجموع دارایی‌های تحت مدیریت این صندوق‌ها با ۱۶ درصد رشد به ۶۱۵ میلیارد دلار و مجموع ذخایر فیزیکی آنها با ۱۲۱ تن افزایش به رکورد ۴,۱۸۹ تن رسید. تمایل سرمایه‌گذاران به صندوق‌های طلا را می‌توان ناشی از نگرانی در خصوص پایداری مالی، تنش‌های ژئوپلیتیک و عامل مهمی برای تقویت تقاضا و حمایت از قیمت جهانی طلا دانست.

میانگین قیمت جهانی اونس طلا در ماه میلادی گذشته یعنی آگوست ۲۰۲۶ به حدود ۴۴۱۰ دلار رسید که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۲ درصد رشد داشته است. خرید طلای صندوق‌های قابل معامله طلا که در ماه گذشته با استقبال سرمایه‌گذاران غربی مواجه شده بود، با جذب ۱۸ میلیارد دلار سرمایه همراه شد که دومین ورودی ماهانه تاریخ به این صندوق‌ها از حیث ارزش است.

دامنه قیمت مثقال طلا (بازار داخلی)	۸۰ تا ۱۰۴ میلیون تومان
حباب مثقال طلا در بازار داخلی	۱- تا ۳.۴ درصد

قیمت هر مثقال طلا (میلیون تومان) و درصد حباب آن



منبع: شبکه اطلاع‌رسانی طلا، سکه و ارز

در بازار داخلی طی بازه ۱۵ تیر تا ۱۵ مرداد ۱۴۰۵، هر مثقال طلا در محدوده ۸۰ تا ۱۰۴ میلیون تومان معامله شد که در همه روزها، حباب منفی داشت یعنی ارزش بازاری آن، کمتر از ارزش ذاتی بود. در بیشترین مقدار خود این حباب به ۳.۴- درصد رسید که در آن ارزش ذاتی هر مثقال، حدود ۸۳ میلیون و ۲۸۵ هزار تومان بود اما در بازار، با قیمتی حدود ۸۰ میلیون و ۴۸۰ هزار تومان مورد معامله قرار گرفت. کمترین حباب مثقال نیز ۱- درصد بود که در آن هر مثقال در بازار در حالی با قیمت ۹۶ میلیون و ۲۴۶ هزار تومان معامله می‌شد که ارزش ذاتی آن حدود ۹۷ میلیون و ۱۸۶ هزار تومان بود.

“انحراف قیمت بازار از ارزش بنیادی یا پدیده حباب منفی را می‌توان یک موضوع موقت و ناشی از کمبود موقت پول نقد در دست خریداران، سرمایه‌گذاران و معامله‌گران بازار دانست. در طول زمان، فرایند بازار و آریترایز بین بازارها باعث می‌شود قیمت‌ها تمایل به بازگشت به میانگین و ارزش ذاتی خود پیدا کنند و در آینده با رفع تنگنای نقدینگی، این شکاف قیمتی پر خواهد شد.”





نمای بازارها

بازار سرمایه

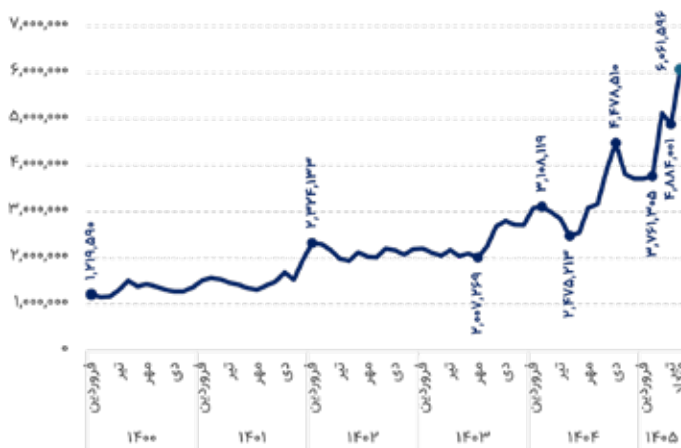
سرخوشی شاخص‌ها

مرداد ۱۴۰۵ نسبت به تیر ۲۶.۶۷ درصد رشد داشت و به ۱,۷۱۷,۶۶۰ واحد رسید. این رقم، رشد ۸۰.۳ درصدی را در مقایسه با ابتدای سال نشان می‌دهد. ارزش معاملات بورس تهران در مرداد ۱۴۰۵ به بیش از ۸۲۱ هزار میلیارد تومان رسید که در مقایسه با ماه قبل با رشد ۳.۴۲ درصدی همراه بود.

شاخص کل بورس تهران که بیانگر روند سطح قیمت کل شرکت‌های پذیرفته شده است، در مرداد ۱۴۰۵ با رشد ۲۴.۱۱ درصدی نسبت به تیر، به ۶,۰۶۱,۵۹۶ واحد رسید. شاخص در مقایسه با ابتدای سال با رشد ۶۳.۲۱ درصدی همراه بود. شاخص هموزن بورس تهران که میزان تغییر قیمت‌ها را با وزن برابر برای همه شرکت‌ها نشان می‌دهد در

بازار	شاخص	مقدار در پایان مرداد ۱۴۰۵	تغییر نسبت به ماه قبل	تغییر نسبت به ابتدای سال
بورس	شاخص کل	۶,۰۶۱,۵۹۶	۲۴.۱۱%	۶۳.۲۱%
	هموزن	۱,۷۱۷,۶۶۰	۲۶.۶۷%	۸۰.۳۰%
فرا بورس	شاخص کل	۴۸,۷۰۴	۲۵.۳۶%	۷۱.۵۴%
	هموزن	۳۰۲,۲۹۲	۲۶.۳۰%	۸۷.۹۸%

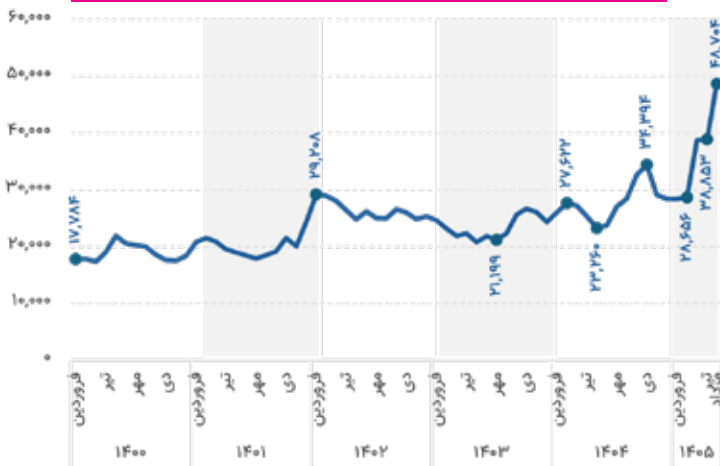
شاخص کل بورس به تفکیک ماه



سازمان بورس

منبع

شاخص کل فرا بورس به تفکیک ماه



سازمان بورس

منبع

شاخص کل فرا بورس ایران در مرداد ۱۴۰۵ با رشد ۲۵.۳۶ درصدی نسبت به تیر، به ۴۸,۷۰۴ واحد رسید. شاخص در مقایسه با ابتدای سال رشدی برابر با ۷۱.۵۴ درصد داشت. شاخص هموزن فرا بورس در مرداد ۱۴۰۵ نسبت به تیر با ۲۶.۳ درصد رشد به ۳۰۲,۲۹۲ واحد رسید که رشد ۸۷.۹۸ درصدی را در مقایسه با ابتدای سال نشان می‌دهد. ارزش معاملات فرا بورس در مرداد ۱۴۰۵ به بیش از ۴,۷۸۳ هزار میلیارد تومان رسید که در مقایسه با تیر ۱۴۰۵، رشد ۲.۳۲ درصدی را نشان می‌دهد.

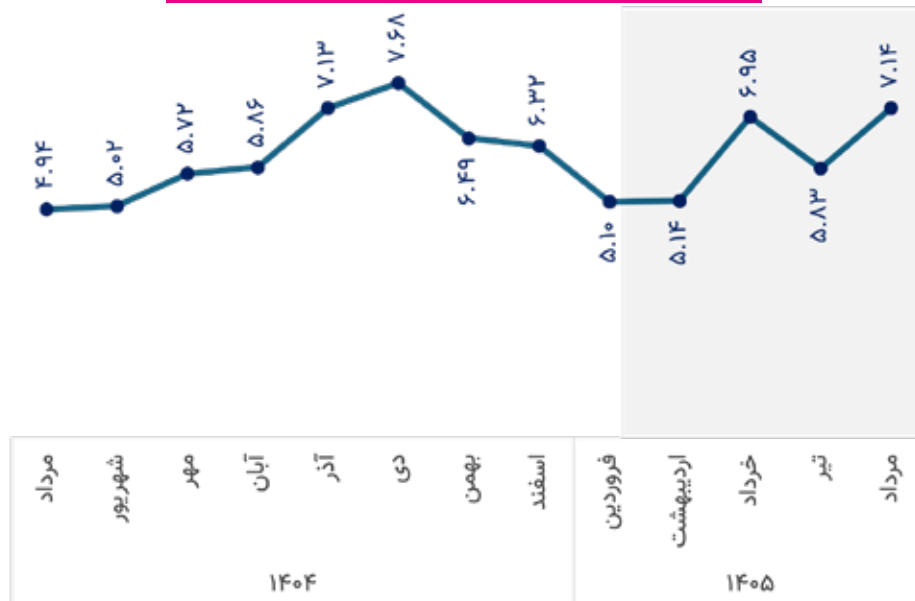


بهبود ارزندگی

این نسبت در مقایسه با انتهای سال گذشته یعنی ۶.۳۲ نیز افزایش یافته است. نسبت P/E پس از تجربه افت ارزش گذاری در بهار ۱۴۰۵ که در فروردین به ۵.۱ و اردیبهشت به ۵.۱۴ رسید، بهبود یافته است.

نسبت قیمت به درآمد (P/E) کل بازار سهام که معیاری برای سنجش ارزش گذاری بازار بر مبنای مقایسه قیمت جاری سهام با سودآوری سالانه بنگاه‌ها است و انتظارات رشد آتی و هزینه واقعی سرمایه را نشان می‌دهد، در پایان مرداد ۱۴۰۵ با افزایش نسبت به تیر به ۷.۱۴ رسید.

نسبت قیمت به درآمد (P/E) کل بازار سهام



سازمان بورس

منبع

دارایی‌ها با سرعتی بیشتر رشد کرد و در مجموع، این نسبت افزایش یافت. البته باید گفت در شرایطی که نرخ تورم بالا است و محاسبات استهلاک و بهای تمام شده کالا بر اساس قیمت‌های تاریخی انجام می‌شود، سود گزارش شده شرکت‌ها کیفیتی پایین‌تر از سود واقعی دارد و بازار سرمایه در با P/E پایین‌تر، اثر این سودهای تورمی را خنثی می‌کند.

روند تغییرات P/E را می‌توان ناشی از وقفه زمانی میان شناسایی تورم در صورت‌های مالی و تعدیل قیمت سهام دانست. به این صورت که تورم‌های بالا در ابتدا با افزایش سود حسابداری شرکت‌ها (مخرج نسبت)، باعث کاهش موقت P/E در بهار شد، اما با وقفه در تابستان، قیمت سهام (صورت نسبت) همسو با انتظارات تورمی و تعدیل ارزش

افزایش P/E از ۵.۱ به ۷.۱۴ نشان می‌دهد ارزشیابی شرکت‌ها در بازار بهبود یافته و فرصت بهتری نسبت به ابتدای سال برای تأمین مالی یا عرضه سهام فراهم شده است. بر این اساس می‌توان گفت بازار سرمایه در حال جذب آثار تورم است. با این حال، نرخ‌های بالا در بازار پول، مانع رشد بیشتر ارزش گذاری بازار سرمایه شده‌اند.

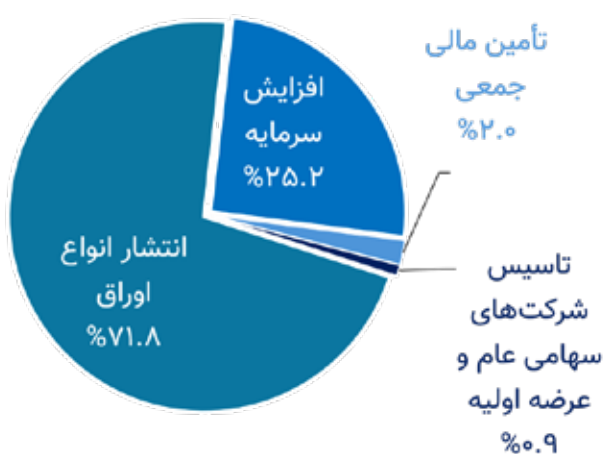


تأمین مالی از بدهی

تأمین مالی انجام شده در بازار، ۴۵۴ هزار میلیارد تومان آن یعنی حدود ۷۲ درصد از طریق انتشار انواع اوراق مالی اسلامی در بازار بدهی بوده است.

انتشار انواع اوراق مالی اسلامی اصلی ترین روش تأمین مالی است و در پنج ماهه ۱۴۰۵ نیز همین روند ادامه داشته به طوری که اوراق، سهم عمده تأمین مالی را بر عهده داشتند. از ۶۳۲ هزار میلیارد تومان

ترکیب تأمین مالی ۵ ماهه ۱۴۰۵



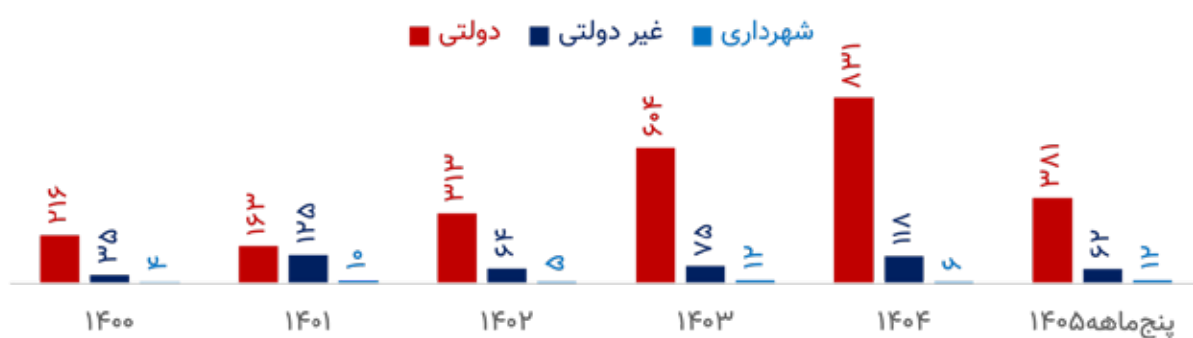
سازمان بورس

منبع

روش بدهی با حدود ۴۶۷.۳ هزار میلیارد تومان سهم ۷۳.۹ درصدی از کل تأمین مالی بازار سرمایه را به خود اختصاص داده است. این روش شامل مجموع انتشار اوراق صکوک و ابزار تأمین مالی جمعی است. روش سرمایه ای با حدود ۱۶۵.۲ هزار میلیارد تومان ۲۶.۱ درصد از کل حجم تجهیز منابع در بازار سرمایه را در پنج ماهه نخست سال ۱۴۰۵ تشکیل داده است. منابع تجهیز شده از طریق روش سرمایه ای به دو دسته اصلی «مجموع عرضه و تأسیس» و «مجموع افزایش سرمایه» تقسیم می شود که در آن افزایش سرمایه با ۱۵۹.۴ هزار میلیارد تومان، سهم غالب را دارد به طوری که ۹۶.۵ درصد از کل روش سرمایه ای را از طریق افزایش سرمایه انجام می شود. بیش از نیمی از ارزش تأمین مالی از طریق افزایش سرمایه یعنی ۵۳.۴ درصد، از محل سود انباشته انجام شده است.

۱۲

ارزش انتشار اوراق بدهی به تفکیک ماهیت بر حسب هزار میلیارد تومان



سازمان بورس

منبع

در روش بدهی و انتشار اوراق، اوراق دولتی با ۳۸۱ هزار میلیارد تومان، ۸۳.۸ درصد از کل اوراق منتشر شده و ۶۰.۲ درصد از کل تأمین مالی بازار سرمایه را به خود اختصاص داده است. در واقع حجم انتشار اوراق دولتی بیش از ۶ برابر کل اوراق شرکتی بخش خصوصی و نزدیک به ۳۳ برابر اوراق شهرداری ها است. در کنار اوراق، ابزار «تأمین مالی جمعی» با ۱۲.۹ هزار میلیارد تومان، سهم ۲.۷ درصدی از کل بازار بدهی و ۲ درصد از کل تأمین مالی بازار سرمایه را به خود اختصاص داده است و در پنج ماهه نخست ۱۴۰۵، از کل اوراق شهرداری ها یعنی ۱۱.۶ هزار میلیارد تومان، پیشی گرفته است.

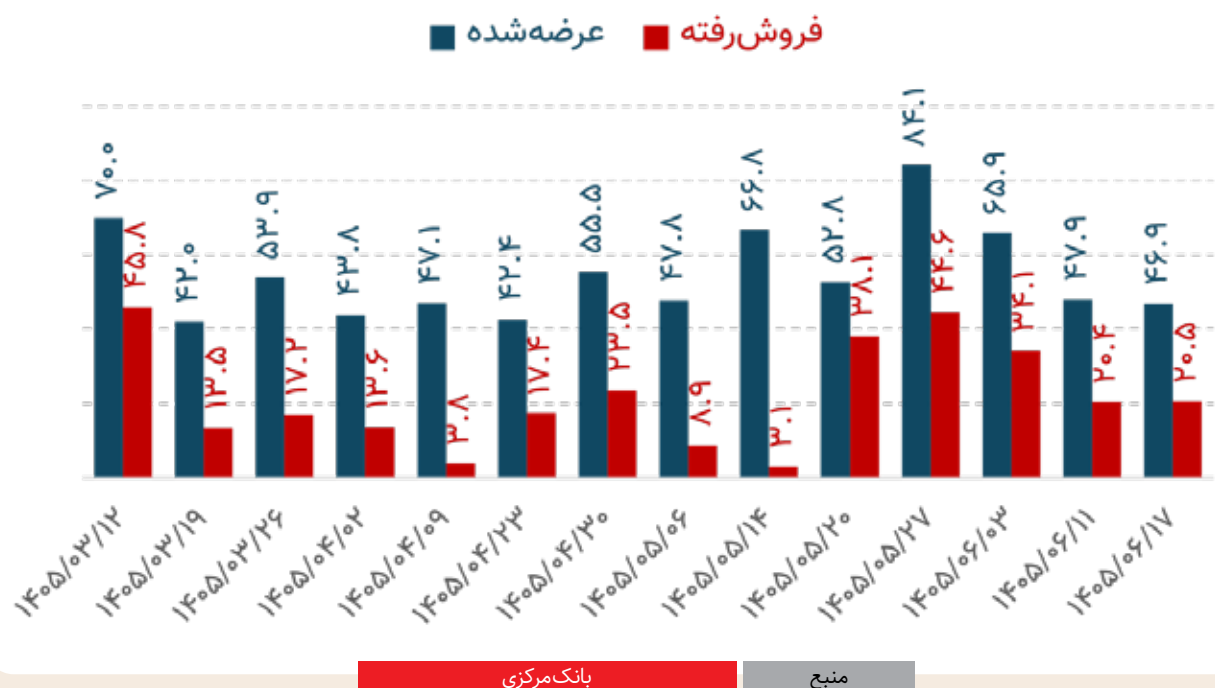


بازگشت بانک‌ها به حراج



اوراق مرباحه عام دولت نوعی ابزار بدهی بدون ریسک است که دولت برای تأمین مالی کسری بودجه و هزینه‌های خود می‌فروشد و در سررسیدهای مشخص، سود و اصل پول را به خریداران پرداخت می‌کند. در حراج، این اوراق به بانک‌ها و خریداران غیر بانکی عرضه می‌شود تا نرخ سود کشف شود. تا نیمه شهریور ۱۴۰۵، ۱۴ مرحله حراج انجام شده که مجموع ارزش اوراق عرضه شده در آنها حدود ۷۶۷ هزار میلیارد تومان و کل اوراق فروش‌رفته حدود ۳۰۴ هزار میلیارد تومان بوده است. از این میزان، بیش از ۳۹ هزار میلیارد تومان توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و حدود ۲۶۵ هزار میلیارد تومان توسط سایر خریداران حقیقی و حقوقی در بازار سرمایه خریداری شده است.

ارزش اوراق عرضه‌شده و فروش‌رفته مرباحه عام دولت در حراج‌های سال ۱۴۰۵ (هزار میلیارد تومان)



بانک مرکزی

منبع

بیشترین مشارکت بانک‌ها در شرکت در حراج اوراق دولتی، مربوط به حراج یازدهم در ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ بوده که در آن ارزش سفارش‌های سه بانک به بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان رسید که به همین میزان نیز فروش انجام گرفت.

نکته قابل توجه در خصوص آخرین حراج این است که در حراج چهاردهم، شبکه بانکی پس از چند هفته غیبت دوباره فعال شد و یک بانک با ارسال و پذیرش حدود ۴۵۰ میلیارد تومان سفارش، در خرید اوراق مشارکت کرد.

نرخ‌های بازده تا سررسید همچنان در محدوده بالای بازار و بین ۳۸.۳ درصد تا ۳۹.۹ درصد و نزدیک به سقف ۴۰ درصد تثبیت شده‌اند و این موضوع، نرخ تنزیل را در مدل‌های ارزشیابی بالا می‌برد. در این شرایط، نرخ بازده مورد انتظار برای طرح‌های توسعه‌ای بخش خصوصی افزایش می‌یابد و توجیه‌پذیری سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. بنابراین با توجه به گران بودن ایجاد بدهی بانکی و اوراق، لازم است کسب‌وکارها دوره وصول مطالبات را کاهش دهند و موجودی کالا را مدیریت کنند.



توقف رشد سرمایه‌گذاری با کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

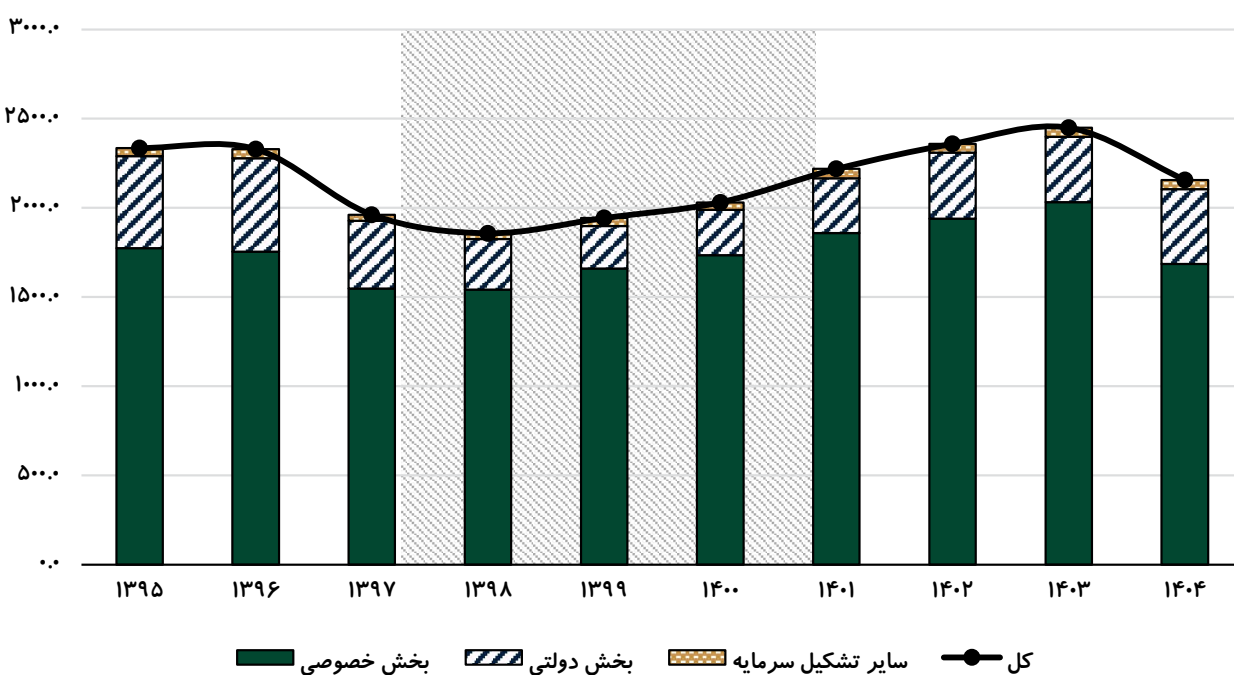
نگاه کلان

سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری واقعی ایران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ مسیری ناپایدار داشته است. سطح سرمایه‌گذاری از ۲۳۳۵۰۶ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ به ۱۸۵۸ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ کاهش یافت؛ به‌طوری که متوسط نرخ رشد سالانه مرکب تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در فاصله ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، منفی ۷.۳ درصد بوده است. از سال ۱۳۹۹ روند بهبود آغاز شد و با تداوم رشد، سرمایه‌گذاری واقعی در سال ۱۴۰۳ به ۲۴۴۹۰۷ هزار میلیارد تومان رسیده و از سطح سال ۱۳۹۵ نیز فراتر رفت. با این حال، این روند در سال ۱۴۰۴ معکوس شد و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص با ۱۱.۹ درصد کاهش نسبت به سال ۱۴۰۳ به ۲۱۵۷۰۱ هزار میلیارد تومان رسید و سطح سرمایه‌گذاری واقعی بار دیگر پایین‌تر از سال ۱۳۹۵ قرار گرفت. در همین سال، سرمایه‌گذاری در ساختمان ۱۲.۳ درصد و در ماشین‌آلات ۱۲.۲ درصد نسبت به سال ۱۴۰۳ کاهش یافت که از افت هم‌زمان دو جزء اصلی تشکیل سرمایه ثابت حکایت دارد.

یکی از ابعاد مهم در ارزیابی وضعیت سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد، ترکیب سرمایه‌گذاری از منظر نوع دارایی و مالکیت است؛ به‌گونه‌ای که توزیع سرمایه‌گذاری میان ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات و سایر دارایی‌های ثابت، از یک‌سو و نحوه توزیع آن میان بخش‌های خصوصی و دولتی، از سوی دیگر، می‌تواند تصویری از ساختار سرمایه‌گذاری کشور ارائه دهد. بررسی داده‌های سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که به طور متوسط ۵۰.۴ درصد از کل سرمایه‌گذاری انجام‌شده در ایران به ساختمان، ۴۷.۵ درصد به ماشین‌آلات و تجهیزات و ۲.۱ درصد به سایر اقلام تشکیل سرمایه ثابت اختصاص داشته است. از منظر مالکیت نیز طی همین دوره، بخش خصوصی با متوسط سهم ۸۱.۱ درصدی، سهم غالب در تشکیل سرمایه ثابت کشور را در اختیار داشته و متوسط سهم بخش دولتی ۱۶.۸ درصد بوده است. روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت ثابت نشان می‌دهد

روند کل سرمایه‌گذاری به تفکیک مالکیت به قیمت ثابت ۱۴۰۰ طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ - هزار میلیارد تومان



بانک مرکزی، ۱۴۰۵

منبع

می‌دهد افزایش سرمایه‌گذاری دولتی نتوانسته اثر کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی را خنثی کند و روند بهبود تشکیل سرمایه در سال‌های قبل در سال ۱۴۰۴ متوقف شده است. استمرار چنین وضعیتی، در صورت تداوم، می‌تواند آهنگ انباشت سرمایه و ظرفیت تولیدی اقتصاد در سال‌های آتی را محدود کند.

از منظر مالکیت، عامل اصلی افت سرمایه‌گذاری سال ۱۴۰۴ بخش خصوصی بوده است. سرمایه‌گذاری واقعی بخش خصوصی از ۲۰۳۲.۱ هزار میلیارد تومان در ۱۴۰۳ به ۱۶۸۵.۷ هزار میلیارد تومان در ۱۴۰۴ کاهش یافته که معادل افت حدود ۱۷ درصدی است؛ در مقابل، سرمایه‌گذاری بخش دولتی حدود ۱۴.۷ درصد افزایش یافته است. این ترکیب نشان

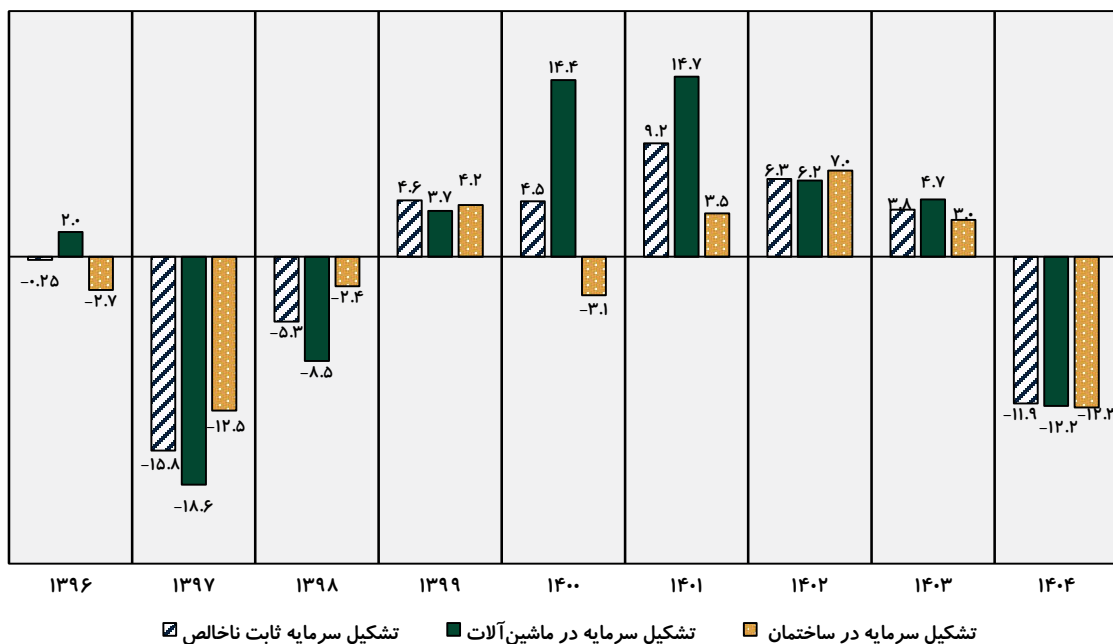
الگوی متفاوت رشد اجزای تشکیل سرمایه



رشد رشد اجزای تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۴، از تفاوت در عملکرد و شدت نوسان دو مؤلفه اصلی، یعنی ماشین‌آلات و ساختمان، حکایت دارد. بر مبنای ارقام تشکیل سرمایه ثابت به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۰۰، متوسط نرخ رشد سالانه مرکب طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ برای کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص حدود منفی ۰.۹ درصد، برای ماشین‌آلات مثبت ۱.۰ درصد و برای ساختمان منفی ۱.۹ درصد بوده است. این ارقام نشان می‌دهد که اگرچه سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات در برخی مقاطع بروز شوک افت شدیدتری را تجربه کرده، در مجموع دوره مورد بررسی، عملکرد بلندمدت سرمایه‌گذاری ساختمانی ضعیف‌تر بوده است.

طی دوره مورد بررسی، بیشترین رشد کل تشکیل سرمایه ثابت در سال ۱۴۰۱ و معادل ۹.۲ درصد ثبت شده و سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات نیز در همین سال با رشد ۱۴.۷ درصدی به بالاترین نرخ خود رسیده است. در مقابل، بیشترین رشد سرمایه‌گذاری ساختمانی در سال ۱۴۰۲ و معادل ۷ درصد بوده است. کمترین نرخ رشد هر سه متغیر نیز در سال ۱۳۹۷ ثبت شده؛ به‌طوری که کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۱۵.۸ درصد، ماشین‌آلات ۱۸.۶ درصد و ساختمان ۱۲.۵ درصد کاهش یافته است.

نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت کل، ساختمان و ماشین‌آلات طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۴. درصد



منبع: بانک مرکزی و محاسبات کارشناسی، ۱۴۰۵

ساختمانی، تقاضای سرمایه‌گذاری و اجرای طرح‌های عمرانی دولت نیز وابسته است.

شایان ذکر است، مشارکت تشکیل سرمایه در ساختمان و ماشین‌آلات در رشد منفی ۱۱.۹ درصدی سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۴، به ترتیب منفی ۵.۸ واحد درصد و منفی ۶.۱ واحد درصد بوده است؛ بنابراین، توقف روند بهبود سرمایه‌گذاری در این سال نه حاصل افت یک جزء خاص، بلکه ناشی از کاهش هم‌زمان هر دو مؤلفه اصلی تشکیل سرمایه بوده است.

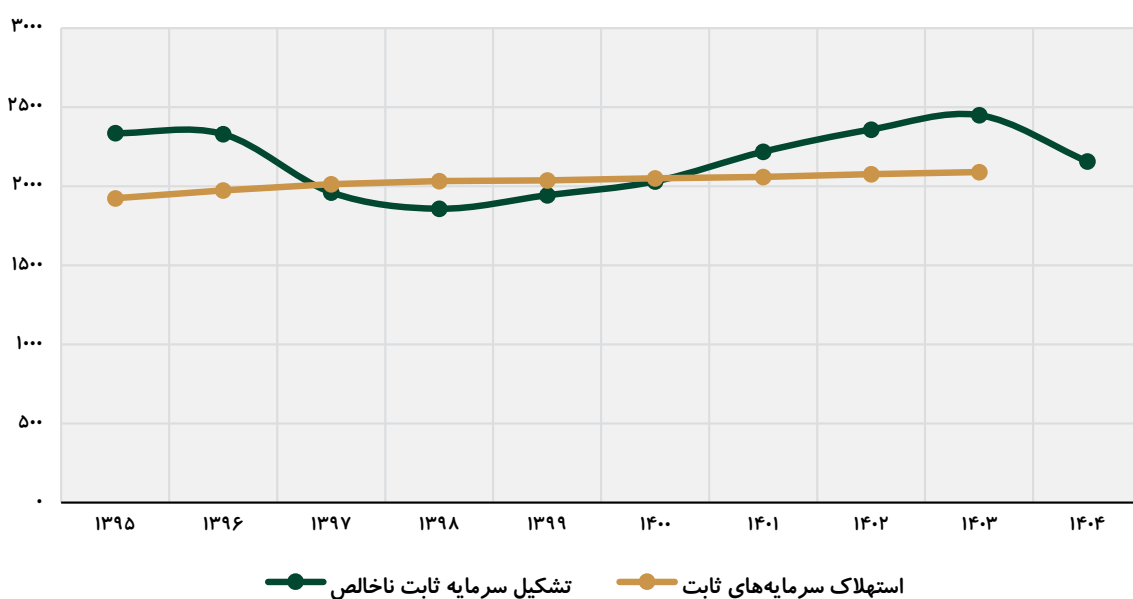
تفاوت در رفتار دو جزء اصلی تشکیل سرمایه را می‌توان تا حدی به تفاوت در عوامل مؤثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاری نسبت داد. سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات، به‌ویژه در بخش‌هایی که به واردات تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای وابسته‌اند، از تحولات نرخ ارز، محدودیت‌های تجاری، دسترسی به منابع مالی و امکان تأمین فناوری تأثیر می‌پذیرد. در مقابل، سرمایه‌گذاری ساختمانی علاوه بر شرایط تأمین مالی، به چرخه بازار مسکن و ساختمان، هزینه نهاده‌های

خطر پیشی گرفتن استهلاک از سرمایه‌گذاری جدید



بررسی روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و استهلاک سرمایه‌های ثابت به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد در اقتصاد ایران فقط پایین بودن رشد سرمایه‌گذاری مسئله نیست، بلکه محدود شدن توان اقتصاد برای جبران فرسودگی سرمایه‌های موجود نیز اهمیت دارد. طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳، استهلاک سرمایه‌های ثابت از ۱۹۲.۴ به ۲۰۹.۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته و متوسط نرخ رشد سالانه مرکب آن حدود ۱ درصد بوده است؛ در حالی که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل ۱۱.۹ درصد کاهش یافته است. از آنجا که داده‌های استهلاک سال ۱۴۰۴ هنوز در داده‌های مورد بررسی در دسترس نیست، نمی‌توان درباره وضعیت تشکیل سرمایه خالص این سال با قطعیت دوری کرد. با این حال، با توجه به روند افزایشی استهلاک تا سال ۱۴۰۳، افت محسوس سرمایه‌گذاری جدید در ۱۴۰۴ یک علامت هشدار است؛ زیرا در صورت تداوم این روند، فاصله میان سرمایه‌گذاری جدید و استهلاک کاهش می‌یابد و امکان افزایش موجودی خالص سرمایه محدودتر می‌شود.

روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و استهلاک سرمایه‌های ثابت به قیمت ثابت ۱۴۰۰ - هزار میلیارد تومان



بانک مرکزی، ۱۴۰۵

منبع

است. این موضوع در دوره بازسازی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا حتی اگر تشکیل سرمایه از استهلاک جاری بیشتر باشد، بخشی از سرمایه‌گذاری جدید ممکن است به جای ایجاد ظرفیت تولیدی جدید، صرف جایگزینی دارایی‌های تخریب‌شده و بازگرداندن ظرفیت تولید به سطح پیشین شود. در چنین شرایطی، افزایش پایدار تشکیل سرمایه، به‌ویژه در ماشین‌آلات، تجهیزات و زیرساخت‌های تولیدی، برای جلوگیری از کاهش موجودی سرمایه و حفظ ظرفیت رشد اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

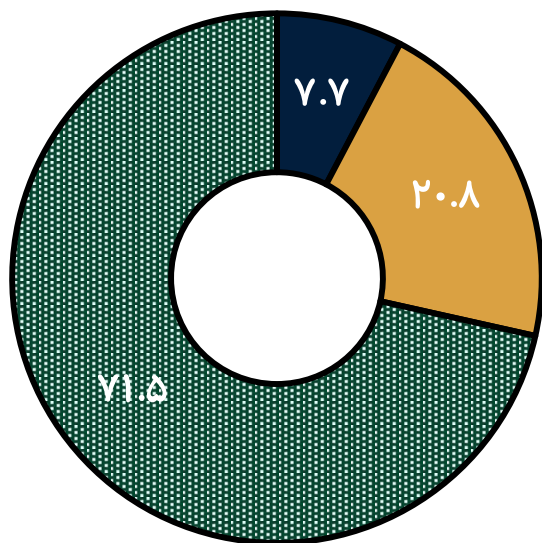
سرمایه‌گذاری در ایران طی این دوره تحت تأثیر نوسانات درآمدهای نفتی، محدودیت‌های مالی و ارزی و نااطمینانی‌های اقتصاد کلان قرار داشته است. در سطح بنگاه نیز محدودیت دسترسی به ماشین‌آلات و فناوری‌های جدید، افزایش هزینه واردات تجهیزات، دشواری تأمین مالی و انتقال پول و به تعویق افتادن نوسازی و تعمیرات اساسی، هزینه جایگزینی سرمایه را افزایش داده است؛ بنابراین چالش اصلی آن است که حجم و ثبات سرمایه‌گذاری جدید برای نوسازی، جایگزینی و توسعه سرمایه موجود کافی نبوده

سهم ناچیز ایران از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

خارجی و بیش از ۷۰ درصد FDI ورودی به اقتصادهای در حال توسعه را شامل می‌شود. در چنین شرایطی، سهم ایران از کل جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی به اقتصادهای در حال توسعه آسیا بسیار محدود و در حدود ۰٫۲۶ درصد است؛ رقمی که فاصله قابل توجه ایران با مقاصد اصلی جذب سرمایه خارجی در منطقه را نشان می‌دهد.

در کنار ضعف تشکیل سرمایه داخلی، عملکرد ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) نیز محدود بوده است. در سال ۲۰۲۵، آسیای در حال توسعه با جذب ۶۴۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جایگاه خود را به عنوان بزرگ‌ترین مقصد FDI در میان مناطق در حال توسعه حفظ کرد؛ رقمی که حدود ۴۰ درصد جریان جهانی سرمایه‌گذاری مستقیم

سهم اقتصادهای در حال توسعه از جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ۲۰۲۵. درصد



■ آسیا ■ آمریکا ■ آفریقا

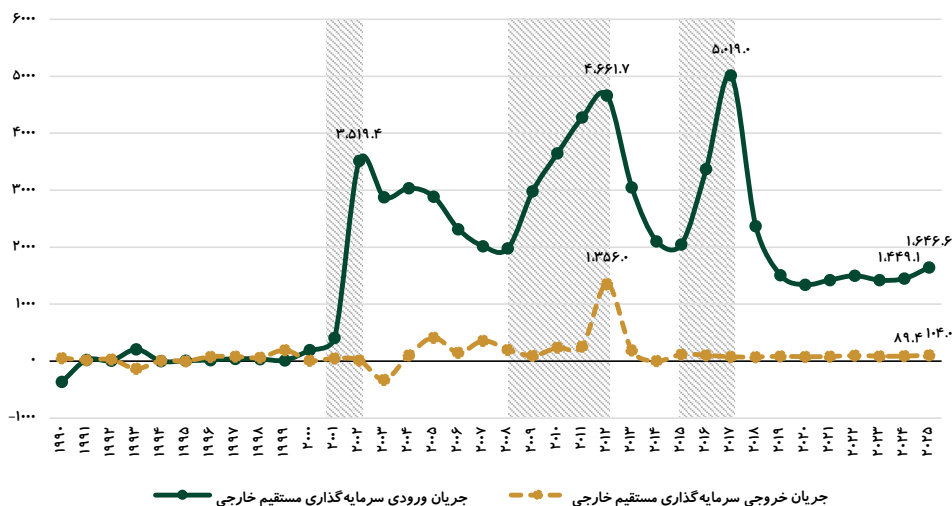
UNCTAD، ۲۰۲۶

منبع

روند جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۵ را می‌توان به چند مقطع متمایز تقسیم کرد. تا ابتدای دهه ۲۰۰۰، حجم ورود FDI بسیار محدود بود؛ اما از سال ۲۰۰۲ جهش محسوسی رخ داد و جریان ورودی از حدود ۴۰۸ میلیون دلار در ۲۰۰۱ به بیش از ۳٫۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ رسید. پس از آن، ورود سرمایه خارجی در سطوح نسبتاً بالاتری ادامه یافت و در سال ۲۰۱۲ به ۴٫۷ میلیارد دلار و در ۲۰۱۷ به اوج تاریخی دوره، معادل ۵ میلیارد دلار رسید.

با این حال، از ۲۰۱۸ مسیر به‌طور محسوسی تغییر کرد؛ جریان ورودی در همان سال بیش از نیمی کاهش یافت و تا ۲۰۱۹ به حدود ۱٫۵ میلیارد دلار رسید. از ۲۰۱۹ به بعد FDI ورودی عمدتاً در محدوده ۱٫۳ تا ۱٫۶ میلیارد دلار باقی مانده و نتوانسته به سطوح پیش از ۲۰۱۸ بازگردد؛ هرچند در ۲۰۲۵ با رشد حدود ۱۳٫۶ درصدی نسبت به ۲۰۲۴ به ۱٫۶۵ میلیارد دلار رسیده است. در مجموع، جریان ورودی FDI در سال ۲۰۲۵ هنوز حدود ۶۷ درصد کمتر از اوج سال ۲۰۱۷ است که نشان می‌دهد بهبود سال‌های اخیر بیشتر ماهیت محدود و تدریجی داشته است.

جریان ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی



UNCTAD، ۲۰۲۶

منبع

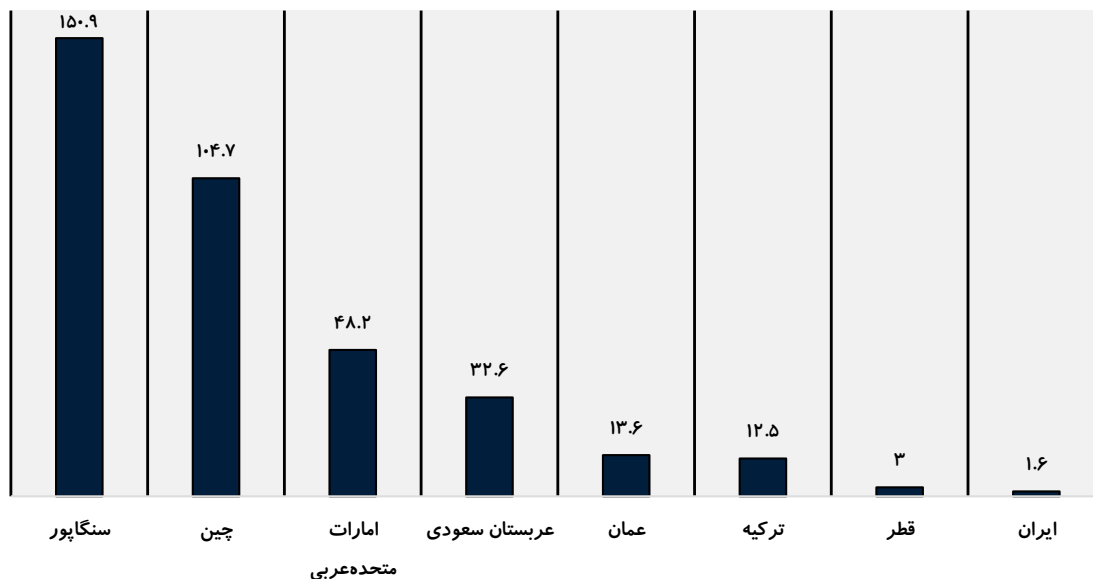
جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران در کل دوره مورد بررسی به مراتب کمتر از جریان ورودی و با نوسانات قابل توجهی همراه بوده است؛ بیشترین میزان خروج سرمایه در سال ۲۰۱۲ و به میزان حدود ۱.۳۶ میلیارد دلار ثبت شده است، از سال ۲۰۱۷ به بعد، این جریان عمدتاً در سطوح پایین تری قرار داشته و در سال ۲۰۲۵ با افزایش حدود ۱۶.۳ درصدی نسبت به سال قبل به حدود ۱۰۴ میلیون دلار رسیده است.

بررسی جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب نشان می‌دهد که شکاف قابل توجهی میان ایران و اقتصادهای پیشرو منطقه و آسیا وجود دارد. سنگاپور با جذب ۱۵۰.۹ میلیارد دلار و چین با ۱۰۴.۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ در صدر قرار دارند و پس از آن امارات متحده عربی با ۴۸.۲ میلیارد دلار و عربستان سعودی با ۳۲.۶ میلیارد دلار قرار گرفته‌اند. در میان کشورهای منطقه نیز عمان و ترکیه به ترتیب ۱۳.۶ و ۱۲.۵ میلیارد دلار FDI جذب کرده‌اند. در حالی که این رقم برای ایران تنها ۱.۶ میلیارد دلار بوده است؛ یعنی جریان ورودی FDI به امارات حدود ۳۰ برابر، عربستان بیش از ۲۰ برابر و حتی عمان و ترکیه حدود ۸ برابر ایران است. این مقایسه نشان می‌دهد عملکرد ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها در مقایسه با برخی قطب‌های اصلی اقتصادی آسیایی، بلکه در مقایسه با برخی اقتصادهای منطقه نیز در سطح بسیار محدودتری قرار دارد.

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ایران در سال ۲۰۲۵ نیز محدود بوده است. آسیا در سال ۲۰۲۵ با جذب ۶۴۴ میلیارد دلار FDI، جایگاه خود را به عنوان بزرگ‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان مناطق در حال توسعه حفظ کرد؛ رقمی که حدود ۴۰ درصد جریان ورودی FDI جهانی و بیش از ۷۰ درصد از کل جریان سرمایه به اقتصادهای در حال توسعه را شامل می‌شود. در چنین شرایطی، سهم ایران از ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به اقتصادهای در حال توسعه آسیا بسیار محدود و در حدود ۰.۲۶ درصد است؛ رقمی که فاصله قابل توجه ایران با مقاصد اصلی جذب سرمایه خارجی در منطقه را نشان می‌دهد.



جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب، ۲۰۲۵. میلیارد دلار



۲۰۲۶، UNCTAD

منبع

باتوجه به فرسودگی خطوط تولید و احتمال کاهش ظرفیت تولید و نیز افزایش هزینه‌های نوسازی، در شرایطی که جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز به شدت محدود است، لازم است بنگاه‌های اقتصادی برای حفظ فعالیت و ظرفیت تولید خود، در صورت نیاز به سرمایه‌گذاری ثابت، به جای خرید اقلامی مانند ماشین‌آلات وارداتی با هزینه بالا، از روش‌هایی همچون اجاره بلندمدت، مشارکت در بهره‌برداری و نیز ظرفیت خالی دیگر کارخانه‌ها استفاده کنند. همچنین با توجه به بالا بودن هزینه جایگزینی، لازم است اولویت تخصیص بودجه با نگهداری پیشگیرانه و بازسازی تجهیزات فعلی باشد.



بقای شوک تجاری جنگ

صادرات غیرنفتی از ابتدای امسال تا ۲۵ مردادماه به نزدیک ۱۵ میلیارد دلار و واردات به ۱۷ میلیارد دلار رسید که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته با کاهش میانگین ۲۴ درصدی همراه بوده است.

آمارهای تجارت خارجی که پیش از این توسط گمرک منتشر می‌شد از دی ماه ۱۴۰۴ به این سو به روز نشده است و داده‌های تجارت خارجی ایران در این بخش، مبتنی بر اظهارنظر رئیس گمرک در چهل و سومین نشست هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران هستند. یکی از دلایل کاهش واردات را علاوه بر چالش‌های لجستیکی می‌توان اولویت دادن به اقلام ضروری در تخصیص ارز دانست چرا که در حال حاضر، اولویت وزارت صمت تأمین مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی است و به همین دلیل، تمرکز سیاست‌های وارداتی بر کالاهایی قرار گرفته که مستقیماً در چرخه تولید نقش دارند. به گفته رئیس‌کل گمرک ایران از مجموع واردات ۳۹ میلیون تنی کشور، حدود ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تن مربوط به کالاهای اساسی است.

همانطور که پیامدهای جنگ اخیر هنوز از تجارت خارجی کشورمان برطرف نشده، آثار آن همچنان بر تجارت جهانی نیز مشهود است به طوری که آنگتاد پیش‌بینی خود از رشد حجم تجارت کالایی جهان را در پایان سال ۲۰۲۶ از ۱٫۹ درصد به ۱٫۴ درصد کاهش داده است. پیش‌بینی رشد حجم تجارت خدمات تجاری جهان نیز از ۴٫۸ درصد به ۴٫۱ درصد تعدیل شده است. این شوک اقتصادی، به بازارهای مالی نیز سرایت کرده و نرخ بازده اوراق قرضه را در اقتصادهای نوظهور از ۶٫۶ درصد در ژانویه ۲۰۲۶ به بیش از ۷٫۸ درصد در آگوست ۲۰۲۶ افزایش داده است.

سازوکار انتقال شوک تجاری به بازارهای مالی



خدا حافظی شرکت‌های کوچک و متوسط با زنجیره ارزش جهانی



۱۴۰۵ فروردین

نفت و فرآورده‌های نفتی

اجازه محدود و زمان‌دار
برای تحویل و فروش نفت و فرآورده‌های
نفتی ایران که تا پیش از این تاریخ روی
کشتی‌ها بارگیری شده بودند، جهت
جلوگیری از شوک آتی به بازار جهانی انرژی

تاریخ

بخش تحریم‌شده

اقدام

۱۴۰۵ اردیبهشت

نفت و پالایشگاه‌های خصوصی

هشدار رسمی به بنادر و مؤسسات مالی
بین‌المللی درباره مخاطرات و تحریم‌های
ثانویه در صورت تسهیل یا معامله نفت
ایران با پالایشگاه‌های خصوصی

۱۴۰۵ خرداد

دارایی‌های دیجیتال (رمزارز) و خدمات مالی

تحریم کامل صرافی‌های اصلی رمزارز به
اتهام فعالیت در بخش مالی ایران تحت
دستور اجرایی ۱۳۹۰۲، مسدودسازی دارایی‌ها
و هشدار تحریم ثانویه برای بانک‌های خارجی
معامله‌کننده با آنها



۱۴۰۵ تیر

نفت و محصولات پتروشیمی

لغو فرجه قبلی و تعیین
مهلت اضطراری کوتاه برای خاتمه سریع
مبادلات نفتی و پتروشیمی

۱۴۰۵ تیر

نفت و محصولات پتروشیمی

اعطای مهلت و مجوز موقت برای انجام
برخی مبادلات نفتی و پتروشیمی ایران تا
تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۲۶



۱۴۰۵ تیر

کشتیرانی، صادرات نفت و بازرگانی دریایی

مسدودسازی دارایی‌های ده‌ها شرکت، فرد و
کشتی به همراه صدور مجوز برای فرجه خروج
اضطراری و تخلیه بار کشتی‌ها به دلایل ایمنی و
زیست‌محیطی

۱۴۰۵ تیر

فناوری، هوش مصنوعی و تجهیزات دومنظوره

منوط کردن امتیازات تجاری امارات به تشدید
نظارت و بازرسی‌ها جهت جلوگیری از انحراف و
انتقال تراشه‌های هوش مصنوعی و فناوری‌های
پیشرفته به ایران

تجارت جهانی علاوه بر جنگ علیه
کشورمان و اختلال در تنگه هرمز، از جنگ
اوکراین نیز تأثیر پذیرفته است. سازمان
تجارت جهانی این منازعات را به دلیل ایجاد
نااطمینانی ژئوپلیتیکی، یکی از عوامل تغییرات
قیمتی و میزان دسترسی جهانی به انرژی،
مواد غذایی و سایر کالاها دانسته است.
کشورهای کمتر توسعه‌یافته و واردکنندگان
خالص مواد غذایی به دلیل وابستگی
ساختاری به بازارهای بین‌المللی، در زمان بروز
چنین بحران‌هایی با چالش‌های جدی در حوزه
امنیت غذایی مواجه می‌شوند.

علاوه بر این، آنتکاد در گزارشی استدلال
کرده است چگونه این شوک تجاری،
بنگاه‌های کوچک و متوسط را با خطر خروج
از زنجیره‌های ارزش جهانی مواجه کرده است.
این بنگاه‌ها ۹۰ درصد از کسب‌وکارهای
جهان، ۷۰ درصد از اشتغال و ۵۰ درصد
از تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل
می‌دهند. در کشورهای در حال توسعه،
هزینه برق برای شرکت‌های کوچک ۴۰۲ درصد
از فروش است، در حالی که این رقم برای
شرکت‌های بزرگ ۰۹ درصد است. رعایت
الزامات وارداتی ۱۹،۴ درصد از ارزش کالا را
در شرکت‌های کوچک کاهش می‌دهد، اما
این هزینه برای شرکت‌های بزرگ ۱۴،۷ درصد
است. بنابراین می‌توان گفت اختلال تجاری
ناشی از جنگ، فروش شرکت‌های کوچک را
در کشورهای در حال توسعه به طور میانگین
۵۷ درصد کاهش داده در حالی که این افت
برای شرکت‌های بزرگ، ۴۷ درصد است. در
نتیجه عدم تقارن ساختاری میان شرکت‌های
کوچک و بزرگ در جذب تکنانه‌های اقتصادی،
خطر حذف دائمی یا خروج بنگاه‌های کوچک
و متوسط از زنجیره‌های ارزش جهانی وجود
دارد.

در این میان، فشار مضاعفی بر تجارت
خارجی بنگاه‌های ایرانی وجود دارد و آن،
تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران است.
از ابتدای سال جاری تاکنون ۱۵ مورد تحریم
اثرگذار شناسایی شده است.



۲ شهریور ۱۴۰۴

هوانوردی، رمزارز، طلا، کشتیرانی و فناوری

گسترش رسمی اختیارات تحریمی خزانه‌داری آمریکابه بخش‌های هوانوردی، دارایی‌های دیجیتال، طلا، کشتیرانی و فناوری ایران جهت زمینه‌سازی تحریم شرکت‌های این حوزه

۲۹ مرداد ۱۴۰۵

حمل‌ونقل دریایی و ترانزیت تنگه هرمز

ممنوعیت مطلق پرداخت هرگونه عوارض عبور، حق بیمه یا ارائه تعهد به نهادهای ایرانی برای گذر از تنگه هرمز تحت ریسک تحریم ثانویه و پیگرد کیفری

۱۵ مرداد ۱۴۰۵

مواد معدنی استراتژیک و پسماندهای بازیافتی

ممنوعیت کامل صادرات و خروج پسماندهای بازیافتی باتری و فلزات حساس صنعتی به مقاصد تحریم شده از جمله ایران بدون دریافت مجوز ویژه



۲ شهریور ۱۴۰۴

خدمات آموزشی، حواله‌های شخصی، کنفرانس‌ها و امور دانشگاهی و ورزشی

ممنوعیت قانونی نقل‌وانتقال مالی شخصی، خدمات کنفرانس‌ها و مبادلات علمی/ورزشی در راستای کمپین «عملیات انزوای اقتصادی» و صدور مجوز جهت فرجه تصفیه حساب تا ۸ سپتامبر

۱۱ شهریور ۱۴۰۵

بانکداری، خدمات مالی و نفت

الزام قانونی دولت آمریکا توسط کنگره به اعمال تحریم‌های ثانویه اجباری علیه بانک‌های خارجی که معاملات نفتی ایران را تسهیل می‌کنند



۱۷ شهریور ۱۴۰۵

صنعت هوانوردی غیرنظامی و ناوگان هوایی

تعلیق کامل مجوزهای پرداخت پروازهای عبوری، ایمنی پرواز و تعمیر اضطراری، صدور هشدار به بانک‌ها؛ و صدور مجوز جهت فرجه تصفیه حساب تا ۲۳ سپتامبر

۱۳ شهریور ۱۴۰۵

خدمات مالی و بانکداری خارج از ایران

تحریم کامل خطوط مالی و بانک یکی از کشورهای همسایه به دلیل ارائه خدمات به اقتصاد ایران، به همراه صدور مجوز برای فرجه تصفیه حساب تا ۱۹ سپتامبر

۱۹ شهریور ۱۴۰۵

مجوزهای خاص معامله و فعالیت‌های بشردوستانه و یا تجاری

ابلاغ رسمی سیاست جدید در قالب کمپین «عملیات انزوای اقتصادی» که طبق آن همه درخواست‌ها برای معامله با ایران به طور پیش فرض رد می‌شوند، مگر در موارد استثنایی و اضطراری حفظ حیات یا ایمنی زیست محیطی



با مسدودسازی و تحریم صرافی‌های رمزارزی و کانال‌های مالی جایگزین، توانایی بنگاه‌ها برای دور زدن محدودیت‌های بانکی سنتی و پرداخت‌های بین‌المللی کاهش یافته است. هنگامی که کانال‌های مالی جایگزین بسته می‌شوند، عدم تقارن اطلاعات بین بنگاه‌ها و تأمین‌کنندگان مالی افزایش یافته و دسترسی به اعتبارات را سخت‌تر می‌کند. بنابراین ایجاد و رسمیت بخشی به پلتفرم‌های ملی و منطقه‌ای تهاثر کالا با شرکای تجاری اصلی، توصیه‌ای است که می‌تواند نیاز به ابزارهای پرداخت بانکی دلاری و یورویی را برای فعالان بخش خصوصی کاهش دهد. علاوه بر این، با اینکه چالش‌هایی در خصوص شبکه ترانزیتی وجود دارد اما استانداردسازی و اعتبارسنجی شبکه‌های ترانزیتی تحت نظارت نهادهای حاکمیتی و بانکی از جمله اقداماتی است که در این شرایط جریان پول را در تجارت خارجی کشور، زنده نگه می‌دارد. از سوی دیگر به دلیل افزایش هزینه تجارت خارجی، مناسب است بنگاه‌های کوچک برای سرشکن کردن هزینه‌های بالای حمل‌ونقل، بیمه و الزامات تجاری، در قالب تشکلهای و کنسرسیوم‌ها فعالیت کنند تا مانع خروج خود از زنجیره‌های ارزش شوند.



افت تولید صنعتی

در کنار تداوم فشارهای تورمی

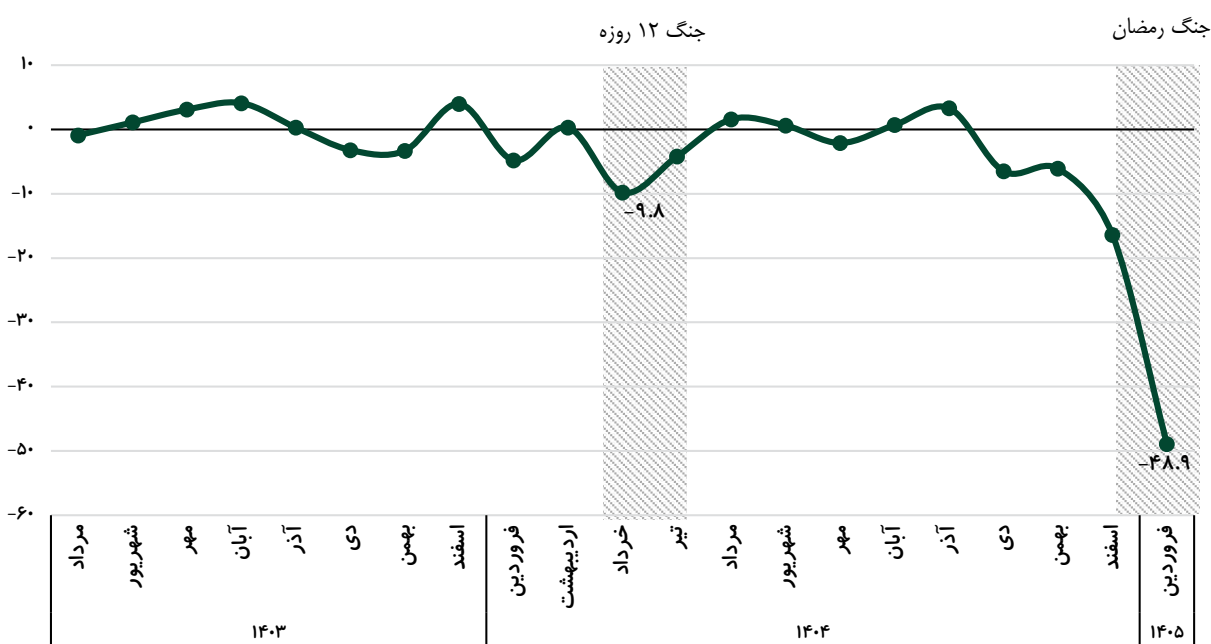
بر اساس داده‌های منتشرشده از سوی پژوهشکده پولی و بانکی، شاخص تولید صنعتی شرکت‌های بورسی که بر مبنای اطلاعات بیش از ۳۱۰ شرکت صنعتی و با پوشش حدود ۴۲ درصد از ارزش تولید کارگاه‌های صنعتی بزرگ با ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر محاسبه می‌شود، در ماه‌های منتهی به فروردین ۱۴۰۵ با افت قابل توجهی مواجه شده است. لازم به ذکر است که این شاخص لزوماً همه بخش صنعت را پوشش نمی‌دهد و نماینده شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه است.

نرخ رشد نقطه به نقطه این شاخص در فروردین ۱۴۰۵ به حدود منفی ۴۸.۹ درصد رسیده که عمیق‌ترین افت دوره مورد بررسی است. با توجه به سهم بالای شرکت‌های بورسی در تولید صنعتی کشور، این شاخص یکی از نماگرهای مهم برای رصد تحولات کوتاه‌مدت بخش صنعت محسوب می‌شود. بررسی روند از مرداد ۱۴۰۳ تا فروردین ۱۴۰۵ نشان می‌دهد دو افت قابل توجه در تولید صنعتی هم‌زمان با دوره‌های تشدید تنش‌های نظامی، از جمله جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، رخ داده است؛ با این حال، افت تولید در جریان جنگ ۱۲ روزه ماهیتی موقتی داشت و تولید ظرف کمتر از دو ماه به روند عادی خود بازگشت. از این رو، این افت را می‌توان عمدتاً یک شوک گذرا تلقی کرد. همچنین تضعیف بخش صنعت فقط به این شوک‌ها محدود نبوده و پیش از آن نیز نشانه‌های ضعف در تولید مشاهده می‌شد. کاهش صادرات، افزایش هزینه‌های تولید و محدودیت‌های مستمر انرژی، در کنار افزایش نااطمینانی، فشار مضاعفی بر فعالیت بنگاه‌های صنعتی وارد کرده و زمینه را برای تشدید افت تولید در دوره‌های بحرانی فراهم کرده است. رشد بخش صنعت در پایان سال ۱۴۰۴ منفی بود و با توجه به تداوم عوامل محدودکننده تولید، انتظار می‌رفت این روند در سال ۱۴۰۵ نیز ادامه یابد.



۲۲

روند رشد ماهانه شاخص کل شرکت‌های بورسی از مرداد ۱۴۰۳ تا فروردین ۱۴۰۵ - درصد



پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۴۰۵

منبع



در فروردین ۱۴۰۵، تفاوت قابل توجه در عملکرد گروه‌های مختلف شرکت‌های صنعتی بورسی نشان می‌دهد که شدت اثرپذیری بخش صنعت از شوک‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی یکسان نبوده است. شاخص تولید شرکت‌های بزرگ با کاهش ۵۰.۲ درصدی مواجه شد، در حالی که افت تولید شرکت‌های کوچک به ۲۵.۵ درصد محدود بود؛ شکافی که می‌تواند بازتاب تفاوت در مقیاس فعالیت، وابستگی به بازارهای خارجی، زنجیره تأمین و میزان مواجهه با اختلالات مالی و تجاری باشد. همچنین صنایع با وابستگی بالاتر به صادرات کاهش به‌مراتب شدیدتری را تجربه کردند؛ به‌طوری که شاخص تولید صنایع صادرات‌محور با شدت بالا ۵۶.۴ درصد افت کرد، در مقابل، کاهش تولید در صنایع با صادرات محوری کمتر حدود ۱۶ درصد بود.

در طبقه‌بندی بر حسب نوع مصرف نیز تولید کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی همگی رشد منفی را طی ماه مزبور ثبت کردند، اما شدت افت در کالاهای واسطه‌ای بیشتر بوده است؛ افت تولید کالاهای واسطه‌ای می‌تواند هم از کاهش تقاضای بنگاه‌ها برای نهاده‌ها و هم از محدودیت‌های عرضه و اختلال زنجیره تأمین ناشی شود.

بر اساس اطلاعات شرکت‌های بورسی، در فروردین ۱۴۰۵ تمامی رشته فعالیت‌های صنعتی مورد بررسی با رشد منفی تولید مواجه بوده‌اند و در اغلب رشته‌ها شدت افت نسبت به اسفند ۱۴۰۴ افزایش یافته است. بیشترین کاهش تولید در خودرو و قطعات با منفی ۶۳ درصد، صنایع شیمیایی با منفی ۵۹.۸ درصد و لاستیک و پلاستیک با منفی ۵۸.۸ درصد ثبت شده و پس از آن ماشین‌آلات و تجهیزات و فلزات اساسی قرار دارند. در مقابل، کانی‌های فلزی با افت ۸.۸ درصدی کمترین کاهش را تجربه کرده‌اند. تشدید افت تولید در صنایعی مانند شیمیایی، فلزات اساسی، خودرو و ماشین‌آلات نشان می‌دهد فشار بر تولید در فروردین صرفاً محدود به یک رشته صنعتی نبوده و دامنه نسبتاً گسترده‌ای داشته است.

جدول ۱: نرخ رشد نقطه‌به‌نقطه شاخص تولید و قیمت به تفکیک رشته فعالیت‌های صنعتی و معدنی بورسی - درصد

فعالیت‌های صنعتی و معدنی		نرخ رشد شاخص تولید		نرخ رشد شاخص قیمت	
		فروردین ۱۴۰۵	اسفند ۱۴۰۴	فروردین ۱۴۰۵	اسفند ۱۴۰۴
خودرو و قطعات	-۳۲,۹	-۶۳,۰	۸۳,۳	۸۱,۰	
صنایع شیمیایی	-۱۹,۲	-۵۹,۸	۱۰۰,۳	۶۶,۱	
لاستیک و پلاستیک	-۲۷,۰	-۵۸,۸	۷۲,۱	۶۹,۸	
ماشین‌آلات و تجهیزات	-۳۰,۱	-۵۴,۶	۶۸,۴	۶۷,۸	
فلزات اساسی	-۱۱,۴	-۵۱,۳	۶۱,۳	۵۹,۲	
دستگاه‌های برقی	-۲۱,۱	-۳۵,۶	۶۶,۹	۹۸,۰	
صنایع غذایی	-۱۶,۹	-۳۳,۴	۱۲۶,۷	۱۳۴,۱	
فرآورده‌های نفتی	-۱۲,۸	-۲۴,۳	۶۳,۳	۴۹,۳	
صنایع دارویی	-۱۷,۴	-۲۳,۴	۷۴,۵	۱۴۲,۰	
کانی‌های فلزی	-۸,۳	-۸,۸	۴۳,۲	۳۵,۵	

نفتی، نرخ رشد قیمت نسبت به اسفند کاهش یافته، اما همچنان مثبت باقی مانده است؛ بنابراین، این کاهش به معنای افت سطح قیمت‌ها نیست، بلکه نشان‌دهنده کندتر شدن آهنگ افزایش قیمت‌هاست. هم‌زمانی افت گسترده تولید با تداوم رشد بالای قیمت‌ها، از بروز نشانه‌هایی از رکود تولیدی همراه با فشار تورمی در بخش صنعت حکایت دارد.

در بخش قیمت، نرخ رشد شاخص قیمت در تمامی صنایع مورد بررسی همچنان مثبت و در سطوح بالایی قرار گرفته است؛ به‌ویژه در صنایع دارویی و غذایی که این نرخ در فروردین ۱۴۰۵ به ترتیب به ۱۴۲ درصد و ۱۳۴.۱ درصد رسیده است. با این حال، در برخی رشته‌ها از جمله فلزات اساسی، صنایع شیمیایی، کانی‌های فلزی، خودرو و قطعات، ماشین‌آلات و تجهیزات، لاستیک و پلاستیک و فرآورده‌های

صدای پای رکود تورمی از بخش صنعت

افزایش یافته است. بیشترین کاهش تولید در خودرو و قطعات با منفی ۶۳ درصد، صنایع شیمیایی با منفی ۵۹٫۸ درصد و لاستیک و پلاستیک با منفی ۵۸٫۸ درصد ثبت شده و پس از آن ماشین‌آلات و تجهیزات و فلزات اساسی قرار دارند. در مقابل، کانی‌های فلزی با افت ۸٫۸ درصدی کمترین کاهش را تجربه کرده‌اند. تشدید افت تولید در صنایعی مانند شیمیایی، فلزات اساسی، خودرو و ماشین‌آلات نشان می‌دهد فشار بر تولید در فروردین صرفاً محدود به یک رشته صنعتی نبوده و دامنه نسبتاً گسترده‌ای داشته است.

در طبقه‌بندی بر حسب نوع مصرف، تولید کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی همگی رشد منفی را طی ماه مزبور ثبت کردند، اما شدت افت در کالاهای واسطه‌ای بیشتر بوده است؛ افت تولید کالاهای واسطه‌ای می‌تواند هم از کاهش تقاضای بنگاه‌ها برای نهاده‌ها و هم از محدودیت‌های عرضه و اختلال زنجیره تأمین ناشی شود.

بر اساس اطلاعات شرکت‌های بورسی، در فروردین ۱۴۰۵ همه رشته‌فعالیت‌های صنعتی مورد بررسی با رشد منفی تولید مواجه بوده‌اند و در اغلب رشته‌ها شدت افت نسبت به اسفند ۱۴۰۴

نرخ رشد نقطه‌به‌نقطه شاخص تولید و قیمت به تفکیک رشته فعالیت‌های صنعتی و معدنی بورسی - درصد

فعالیت‌های صنعتی و معدنی		نرخ رشد شاخص تولید		نرخ رشد شاخص قیمت	
		فروردین ۱۴۰۵	اسفند ۱۴۰۴	فروردین ۱۴۰۵	اسفند ۱۴۰۴
خودرو و قطعات		-۳۲٫۹	-۶۳٫۰	۸۱٫۰	۸۳٫۳
صنایع شیمیایی		-۱۹٫۲	-۵۹٫۸	۶۶٫۱	۱۰۰٫۳
لاستیک و پلاستیک		-۲۷٫۰	-۵۸٫۸	۶۹٫۸	۷۲٫۱
ماشین‌آلات و تجهیزات		-۳۰٫۱	-۵۴٫۶	۶۷٫۸	۶۸٫۴
فلزات اساسی		-۱۱٫۴	-۵۱٫۳	۵۹٫۲	۶۱٫۳
دستگاه‌های برقی		-۲۱٫۱	-۳۵٫۶	۹۸٫۰	۶۶٫۹
صنایع غذایی		-۱۶٫۹	-۳۳٫۴	۱۳۴٫۱	۱۲۶٫۷
فرآورده‌های نفتی		-۱۲٫۸	-۲۴٫۳	۴۹٫۳	۶۳٫۳
صنایع دارویی		-۱۷٫۴	-۲۳٫۴	۱۴۲٫۰	۷۴٫۵
کانی‌های فلزی		-۸٫۳	-۸٫۸	۳۵٫۵	۴۳٫۲

پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۴۰۵

منبع

پلاستیک و فرآورده‌های نفتی، نرخ رشد قیمت نسبت به اسفند کاهش یافته، اما همچنان مثبت باقی مانده است؛ بنابراین، این کاهش به معنای افت سطح قیمت‌ها نیست، بلکه نشان‌دهنده کندتر شدن آهنگ افزایش قیمت‌هاست. همزمانی افت گسترده تولید با تداوم رشد بالای قیمت‌ها، از بروز نشانه‌هایی از رکود تولیدی همراه با فشار تورمی در بخش صنعت حکایت دارد.

در بخش قیمت، نرخ رشد شاخص قیمت در همه صنایع مورد بررسی همچنان مثبت و در سطوح بالایی قرار گرفته است؛ به‌ویژه در صنایع دارویی و غذایی که این نرخ در فروردین ۱۴۰۵ به ترتیب به ۱۴۲ درصد و ۱۳۴٫۱ درصد رسیده است.

با این حال، در برخی رشته‌ها از جمله فلزات اساسی، صنایع شیمیایی، کانی‌های فلزی، خودرو و قطعات، ماشین‌آلات و تجهیزات، لاستیک و

شاخص تولید صنعتی بورس همزمان با افزایش شاخص قیمت تولیدکننده در بهار، افت کرده است و حتی شرکت‌های بزرگ نیز به دلیل پیامدهای جنگ، کمبود انرژی و کاهش تقاضای مصرف‌کننده، با کاهش تولید مواجه بودند. از همین رو پیشنهاد می‌شود برای حفظ تولید، سبد محصولات صنایع به صورت موقت از کالاهای صادراتی که در شرایط کنونی ممکن است به دلیل محدودیت‌های تجاری، پر ریسک تلقی شود و نیز کالاهای دیر بازده مانند کالاهای سرمایه‌ای، به سمت کالاهای واسطه‌ای و مصرفی ضروری در بازار داخل تغییر کند که تقاضای پایدارتری دارند. در خصوص انرژی نیز می‌توان استفاده از ظرفیت‌های قانونی و حمایتی دولت در خصوص احداث نیروگاه‌های صنعتی را پیشنهاد داد تا خطوط تولید از قطع ناگهانی برق و گاز، مصون بمانند.



اقتصاد گردشگری ایران؛ از ساختار بازار تا چشم انداز رشد

افت است؛ در حالی که مخارج گردشگری داخلی افت محدودتری برابر ۱۳.۶ درصد را تجربه خواهد کرد. این شکاف، آسیب پذیری بیشتر گردشگری ورودی در برابر نااطمینانی‌ها و اختلال در جریان سفرهای بین‌المللی را نشان می‌دهد. با وجود چشم‌انداز انقباضی ۲۰۲۶، برآوردهای بلندمدت از ظرفیت رشد این بخش حکایت دارد؛ طی سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۶، رشد متوسط سالانه مشارکت کل سفر و گردشگری در تولید ناخالص داخلی ۵.۵ درصد، سرمایه‌گذاری گردشگری ۵.۷ درصد و صادرات گردشگری ۱۳.۴ درصد پیش‌بینی شده است.

گردشگری در ایران، با وجود برخورداری از ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی و جغرافیایی، هنوز جایگاهی متناسب با این ظرفیت‌ها در ساختار اقتصاد کشور نیافته است.

اما پیش‌بینی شورای جهانی سفر و گردشگری (WTTC) از تغییر جهت این بخش در سال ۲۰۲۶ حکایت دارد؛ این شورا کاهش ۲۰.۹ درصدی مشارکت کل سفر و گردشگری در تولید ناخالص داخلی، افت ۷.۶ درصدی مشارکت آن در اشتغال و کاهش ۱۴.۵ درصدی سرمایه‌گذاری گردشگری را پیش‌بینی کرده است. شدیدترین کاهش مربوط به صادرات گردشگری با ۶۴ درصد

روند رشد شاخص‌های منتخب اقتصاد گردشگری ایران- درصد

شاخص	رشد ۲۰۲۵ نسبت به ۲۰۲۴	رشد پیش‌بینی شده ۲۰۲۶ نسبت به ۲۰۲۵	متوسط رشد سالانه پیش‌بینی شده ۲۰۲۶-۲۰۳۶
صادرات گردشگری ^۱	۷.۱	-۶۴	۱۳.۴
مخارج گردشگری داخلی ^۲	۳.۹	-۱۳.۶	۳.۵
اثر اقتصادی کل سفر و گردشگری بر تولید ناخالص داخلی ^۳	۷.۵	-۲۰.۹	۵.۵
سرمایه‌گذاری در بخش سفر و گردشگری ^۴	۴۰.۹	-۱۴.۵	۵.۷
اثر کل سفر و گردشگری بر اشتغال ^۵	۱.۹	-۷.۶	۲.۹

شورای جهانی سفر و گردشگری، ۲۰۲۶

منبع

راهنمای جدول

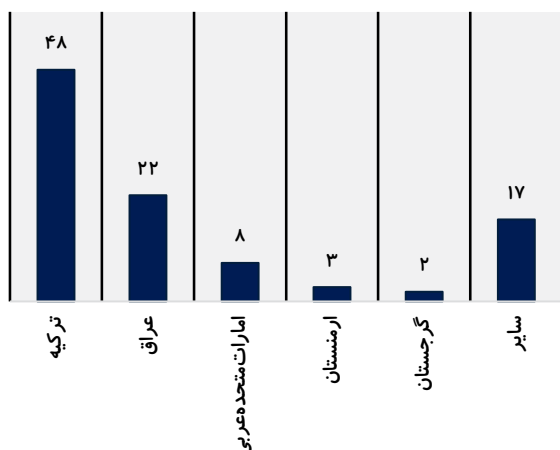
۱. صادرات گردشگری بیانگر درآمد حاصل از مخارج گردشگران خارجی در داخل کشور است.
۲. مخارج گردشگری داخلی بیانگر هزینه‌کرد ساکنان برای سفر در داخل کشور است.
۳. اثر اقتصادی کل سفر و گردشگری بر GDP، ارزش فعالیت‌های اقتصادی مستقیم، غیرمستقیم و القایی مرتبط با گردشگری را دربر می‌گیرد؛ یعنی فعالیت خود بخش گردشگری، خرید از تأمین‌کنندگان و زنجیره تأمین، و مخارج ناشی از درآمد کارکنان این بخش‌ها در اقتصاد. در سال ۲۰۲۵، ارزش واقعی این اثر اقتصادی کل نسبت به سال ۲۰۲۴ حدود ۷.۵ درصد افزایش یافته است.
۴. سرمایه‌گذاری گردشگری بیانگر سرمایه‌گذاری در تأسیسات، تجهیزات و زیرساخت‌های مورد استفاده در گردشگری است.
۵. اثر کل سفر و گردشگری بر اشتغال، مجموع اشتغال مستقیم، غیرمستقیم و القایی مرتبط با این بخش را دربر می‌گیرد.

گردشگری ورودی ۶۶ درصد است. همچنین حضور عراق و ترکیه در میان اصلی‌ترین مبادی و مقاصد سفر، اهمیت بالای گردشگری منطقه‌ای در ساختار این بخش را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۲۵، از کل مخارج گردشگری انجام‌شده در داخل ایران، ۸۰.۲ درصد مربوط به گردشگری داخلی و ۱۹.۸ درصد مربوط به مخارج گردشگران خارجی بوده است. از منظر هدف سفر نیز ۹۴.۲ درصد از مخارج به سفرهای تفریحی و تنها ۵.۸ درصد به سفرهای تجاری اختصاص داشته است. این ترکیب نشان می‌دهد اقتصاد گردشگری ایران در سال ۲۰۲۵ عمدتاً متکی بر تقاضای داخلی و سفرهای تفریحی بوده است.

۲۹ درصد از کل گردشگران بین‌المللی واردشده به ایران در سال ۲۰۲۵ از عراق بوده‌اند و پس از آن آذربایجان با ۱۴ درصد، ترکیه با ۹ درصد، پاکستان با ۸ درصد و لبنان با ۶ درصد قرار دارند. در مجموع، پنج کشور نخست ۶۶ درصد از کل ورود گردشگران بین‌المللی به ایران را به خود اختصاص داده‌اند.

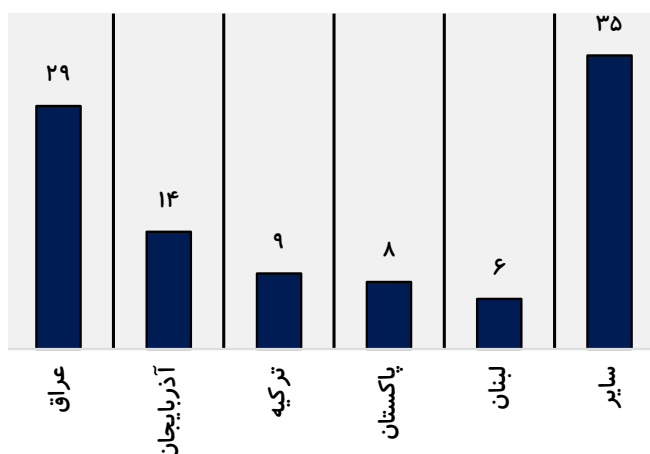
در گردشگری خروجی، تمرکز جغرافیایی بیشتر است؛ ۴۸ درصد از کل سفرهای خروجی گردشگران ایرانی در سال ۲۰۲۵ به مقصد ترکیه و ۲۲ درصد به مقصد عراق بوده است؛ بنابراین، این دو کشور به تنهایی ۷۰ درصد و پنج مقصد نخست در مجموع ۸۳ درصد از سفرهای خروجی را به خود اختصاص داده‌اند؛ در حالی که سهم پنج مبدأ نخست از

سهم مقاصد اصلی از سفرهای خروجی گردشگران ایرانی در سال ۲۰۲۵- درصد



منبع: شورای جهانی سفر و گردشگری، ۲۰۲۶

سهم مبادی اصلی از ورود گردشگران بین‌المللی به ایران در سال ۲۰۲۵- درصد

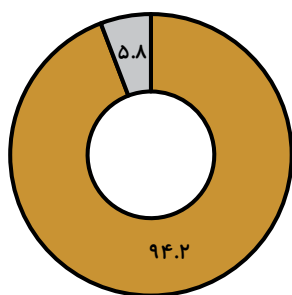


منبع: شورای جهانی سفر و گردشگری، ۲۰۲۶

در سال ۲۰۲۵، از کل مخارج گردشگری انجام‌شده در داخل ایران، ۸۰٫۲ درصد مربوط به گردشگری داخلی و ۱۹٫۸ درصد مربوط به مخارج گردشگران خارجی بوده است. از منظر هدف سفر نیز ۹۴٫۲ درصد از مخارج به سفرهای تفریحی و تنها ۵٫۸ درصد به سفرهای تجاری اختصاص داشته است. این ترکیب نشان می‌دهد اقتصاد گردشگری ایران در سال ۲۰۲۵ عمدتاً متکی بر تقاضای داخلی و سفرهای تفریحی بوده است.

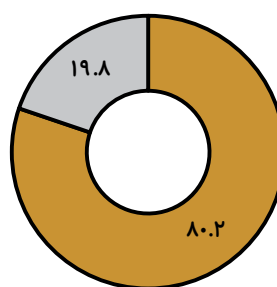
۲۶

ترکیب هزینه‌کرد گردشگری از حیث تجاری و تفریحی در سال ۲۰۲۵- درصد



سفر تفریحی سفر تجاری

ترکیب هزینه‌کرد گردشگری از حیث داخلی و خارجی در سال ۲۰۲۵- درصد



مخارج گردشگری خارجی مخارج گردشگری داخلی

منبع: شورای جهانی سفر و گردشگری، ۲۰۲۶

افت ۶۴ درصدی صادرات گردشگری نشان‌دهنده حساسیت بالای این بخش به شوک‌های امنیتی و منطقه‌ای است. بنابراین فعالان اقتصادی در بخش گردشگری، می‌توانند تمرکز خود را از توره‌ای ورودی بین‌المللی و فرامنطقه‌ای به سمت تقاضای داخلی که افت کمتری داشته و نیز گردشگری زیارتی و درمانی با هدف ورود گردشگر از کشورهای همسایه تغییر دهند.



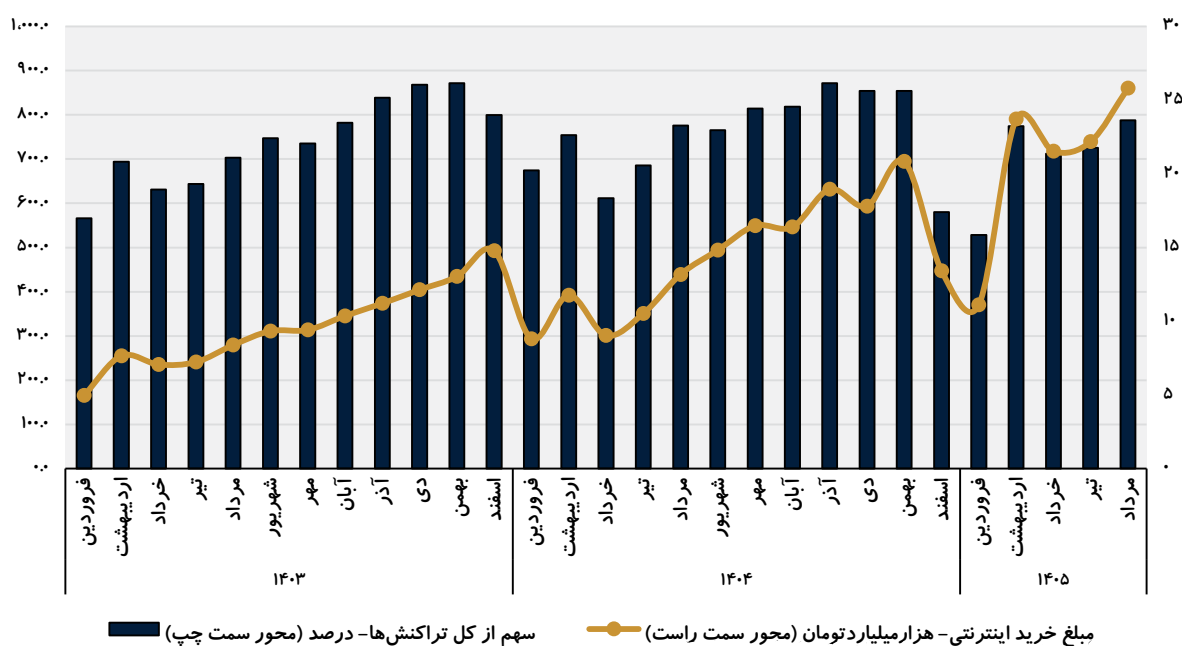
تحولات خرید اینترنتی؛

از افت اسفند ۱۴۰۴ تا رکورد مرداد ۱۴۰۵



طبق گزارش بانک مرکزی از تراکنش‌های شبکه شاپرک، ارزش خریدهای اینترنتی در مرداد ۱۴۰۵ به حدود ۸۶۰.۱ هزار میلیارد تومان رسیده و سهم این نوع خرید از کل تراکنش‌ها نیز ۲۳.۶ درصد بوده است. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، مبلغ خرید اینترنتی در مرداد ۱۴۰۵ بالاترین رقم ثبت‌شده طی دوره مورد بررسی بوده است. این رقم نسبت به تیرماه ۱۶.۳ درصد و نسبت به مرداد سال قبل ۹۵.۹ درصد افزایش داشته است. همچنین، مجموع خرید اینترنتی طی پنج‌ماهه نخست ۱۴۰۵ به حدود ۳,۴۷۸ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۹۵.۸ درصد بیشتر است.

روند ماهانه خرید اینترنتی از فروردین ۱۴۰۳ تا مرداد ۱۴۰۵



بانک مرکزی و محاسبات کارشناسی، ۱۴۰۵

منبع

نکته قابل‌توجه در روند ماهانه، افت شدید خرید اینترنتی در اسفند ۱۴۰۴ است؛ به‌طوری‌که مبلغ تراکنش‌های اینترنتی از ۶۹۴.۶ هزار میلیارد تومان در بهمن به ۴۴۷.۶ هزار میلیارد تومان در اسفند کاهش یافت که معادل افتی حدود ۳۵.۶ درصدی است. سهم خریدهای اینترنتی از کل تراکنش‌ها نیز در همین فاصله از ۲۵.۶ درصد به ۱۷.۴ درصد تنزل کرد. اهمیت این کاهش از آن جهت بیشتر است که اسفند، به‌طور معمول به دلیل افزایش خریدهای پایان سال و تقاضای مرتبط با نوروز، با رشد فعالیت‌های معاملاتی همراه است؛ ازاین‌رو، افت هم‌زمان مبلغ و سهم خریدهای اینترنتی در این ماه می‌تواند بازتابی از اختلال در فعالیت‌های اقتصادی و افزایش نااطمینانی در پی تشدید شرایط جنگی باشد.

با وجود ثبت رکورد جدید در ارزش خریدهای اینترنتی در مرداد ۱۴۰۵، این افزایش لزوماً به معنای رشد متناظر حجم واقعی خرید آنلاین یا افزایش سهم این کانال در کل پرداخت‌ها نیست. ارزش خرید اینترنتی در مرداد ۱۴۰۵ نسبت به مرداد ۱۴۰۴ تقریباً دو برابر شده، اما سهم آن از کل تراکنش‌های شبکه شاپرک تنها از حدود ۲۳.۳ درصد به ۲۳.۶ درصد افزایش یافته و همچنان پایین‌تر از بیشینه بیش از ۲۶ درصدی ثبت‌شده در برخی ماه‌های پیشین است. این تفاوت نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از رشد مبلغ تراکنش‌های اینترنتی می‌تواند ناشی از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه رشد ارزش اسمی مبادلات باشد؛ ازاین‌رو، افزایش مبلغ تراکنش‌ها را نمی‌توان به‌تنهایی به معنای گسترش هم‌اندازه تجارت الکترونیکی در اقتصاد تلقی کرد.



تعداد خریدهای اینترنتی

۲۸

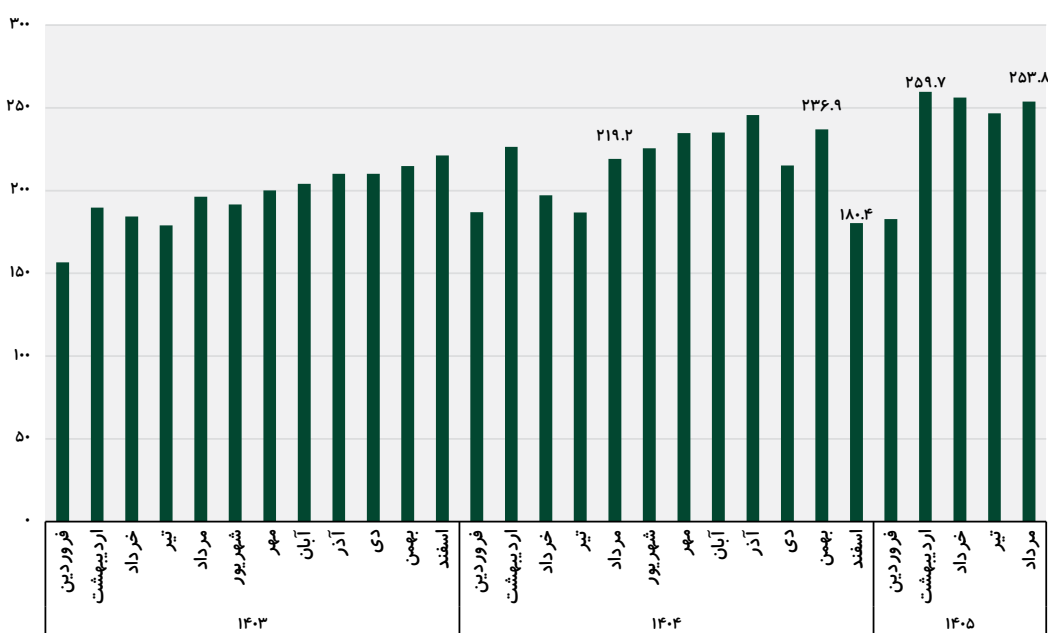
تراکنش‌ها را به همان اندازه به افزایش دفعات خرید اینترنتی نسبت داد. روند اسفند ۱۴۰۴ نیز نشان می‌دهد که تغییرات ارزش تراکنش‌های اینترنتی لزوماً هم‌اندازه تغییرات تعداد تراکنش‌ها نیست. در این ماه، تعداد تراکنش‌های اینترنتی از ۲۳۶٫۹ میلیون در بهمن به ۱۸۰٫۴ میلیون تراکنش کاهش یافت که معادل افت ۲۳٫۹ درصدی است؛ هم‌زمان، ارزش تراکنش‌ها نیز با کاهش ۳۵٫۶ درصدی از ۶۹۴٫۶ به ۴۴۷٫۶ هزار میلیارد تومان رسید. بنابراین افت اسفند ۱۴۰۴ تنها ناشی از کاهش مبلغ اسمی خریدها نبوده و با کاهش محسوس در تعداد تراکنش‌ها نیز همراه شده است. نکته جالب توجه دیگر آنکه، در مرداد ۱۴۰۵ با وجود ثبت بالاترین ارزش خرید اینترنتی در دوره مورد بررسی، تعداد تراکنش‌ها همچنان کمتر از رکورد ۲۵۹٫۷ میلیون تراکنشی اردیبهشت ۱۴۰۵ بوده که بار دیگر فاصله میان رشد ارزش و رشد تعداد تراکنش‌ها را نشان می‌دهد.

در مرداد ۱۴۰۵، تعداد تراکنش‌های خرید اینترنتی به حدود ۲۵۳٫۸ میلیون تراکنش رسید که نسبت به تیرماه ۲٫۹ درصد و نسبت به مرداد سال قبل ۱۵٫۸ درصد افزایش داشته است.

در پنج‌ماه نخست سال ۱۴۰۵ نیز مجموع تعداد تراکنش‌های اینترنتی به حدود ۱٫۲ میلیارد تراکنش رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل نزدیک به ۱۸ درصد بیشتر است.

مقایسه این روند با ارزش خریدهای اینترنتی نشان می‌دهد که افزایش مبلغ تراکنش‌ها به‌مراتب سریع‌تر از افزایش تعداد آنها بوده است؛ به‌طوری‌که در مرداد، ارزش تراکنش‌ها نسبت به سال قبل ۹۵٫۹ درصد افزایش یافته، درحالی‌که تعداد آنها تنها ۱۵٫۸ درصد رشد کرده است. این تفاوت نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از رشد ارزش خریدهای اینترنتی ناشی از افزایش مبلغ اسمی معاملات بوده و نمی‌توان جهش ارزش

روند ماهانه تعداد تراکنش‌های خرید اینترنتی؛ فروردین ۱۴۰۳ تا مرداد ۱۴۰۵-میلیون تراکنش



بانک مرکزی، ۱۴۰۵

منبع

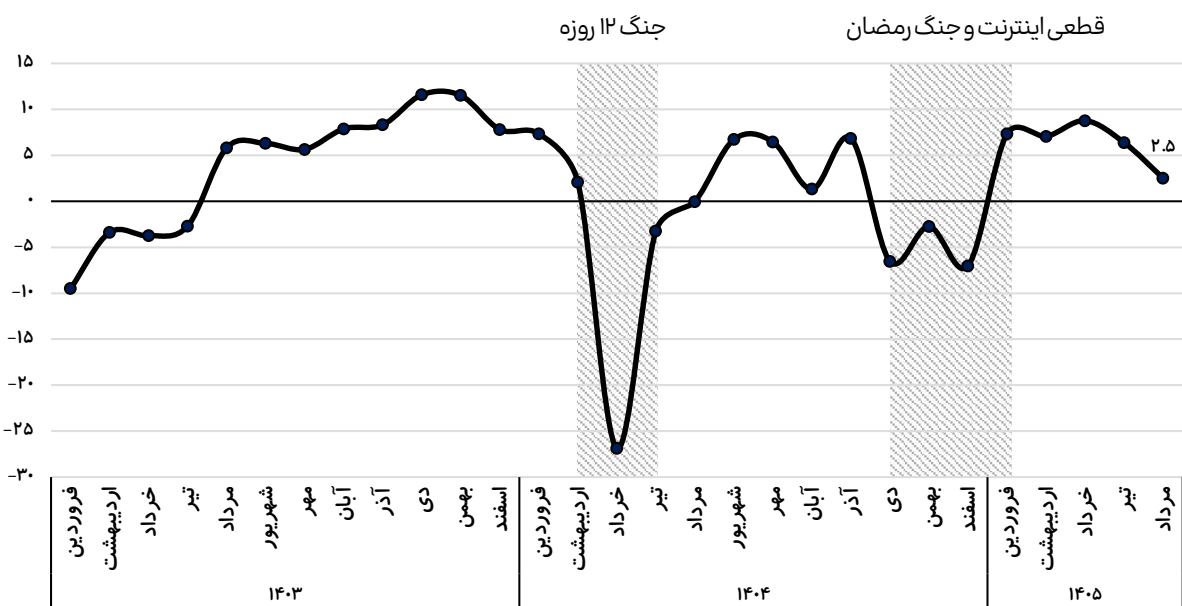


تحولات واقعی تراکنش‌ها در سایه شوک‌ها

پس از بهبود نسبی در ماه‌های بعد، از دی‌ماه ۱۴۰۴ و همزمان با قطعی و اختلال گسترده اینترنت، رشد واقعی خرید مجدداً منفی شد و این ضعف در اسفند، همزمان با آغاز جنگ رمضان، ادامه یافت. هرچند در پنج‌ماهه نخست ۱۴۰۵ رشد واقعی خرید دوباره مثبت شده، بخشی از این افزایش ناشی از اثر پایه پایین سال قبل است و کاهش رشد از ۸٫۸ درصد در خرداد جنگ ۱۲ روزه رخ داده و رشد واقعی خرید به منفی ۲۶٫۹ درصد رسیده است.

تفاوت میان رشد اسمی و واقعی تراکنش‌ها، ضرورت بررسی تحولات خرید به قیمت ثابت را نشان می‌دهد. بررسی تغییرات واقعی کل تراکنش‌های خرید، نسبت به ماه مشابه سال قبل، نشان می‌دهد که پس از بهبود نسبی در نیمه دوم ۱۴۰۳، این روند در سال ۱۴۰۴ تحت تأثیر چند شوک مهم مختل شده است؛ شدیدترین افت در خرداد ۱۴۰۴ و همزمان با جنگ ۱۲ روزه رخ داده و رشد واقعی خرید به منفی ۲۶٫۹ درصد رسیده است.

رشد نقطه‌به‌نقطه ارزش حقیقی کل تراکنش‌های خرید شبکه شاپرک به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ درصد



بانک مرکزی، ۱۴۰۵

منبع

همزمانی افت خرید واقعی با دوره‌های جنگ و اختلالات گسترده اینترنت، از حساسیت فعالیت‌های معاملاتی به شوک‌های امنیتی و زیرساختی حکایت دارد. در عین حال، محدود بودن رشد واقعی خرید پس از عبور از این شوک‌ها نشان می‌دهد که بازبایی تقاضا همچنان شکننده است و بدون بهبود پایدار شرایط اقتصاد کلان و درآمد واقعی خانوارها، نمی‌توان از تثبیت روند بهبود مصرف سخن گفت. با توجه به وابستگی بالای خرده‌فروشی دیجیتال به پایداری زیرساخت، علاوه بر مطالبه تشکیلی برای پایداری شبکه می‌توان اقداماتی از جمله توزیع سرویس‌ها و سامانه‌ها در زیرساخت‌ها و میزبانی در سکوها داخلی را پیشنهاد داد.



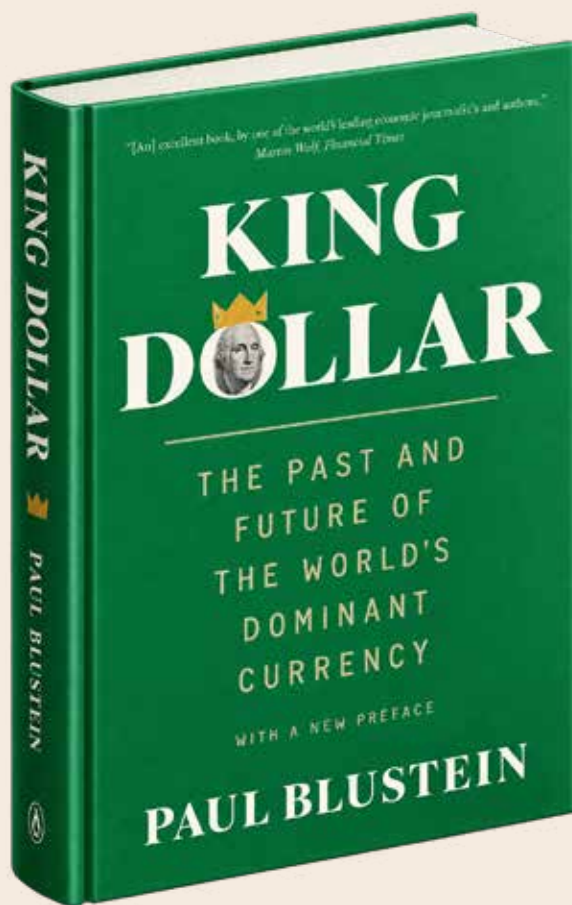
شاه دلار: گذشته و آینده ارز مسلط جهان

King Dollar: The Past and Future of the World's Dominant Currency

آیا سلطه‌ی جهانی دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره جهانی در حال افول است؟ در صورت تضعیف این جایگاه، چه سناریوهایی برای نظام پولی بین‌الملل قابل پیش‌بینی است؟ پل بلوستاین روزنامه‌نگار اقتصادی که بخش عمده فعالیت حرفه‌ای خود را به عنوان خبرنگار در روزنامه‌های واشنگتن پست و وال استریت ژورنال گذرانده است در کتاب «پادشاه دلار: گذشته و آینده ارز مسلط جهان» به این پرسش پاسخ می‌دهد.

بلوستاین این پرسش را در برابر دیدگاه‌هایی مطرح می‌کند که ظهور یوآن چین، گسترش رمزارزها، افزایش بدهی و تورم آمریکا را نشانه‌هایی از افول دلار می‌دانند. او می‌کوشد توضیح دهد چرا پیش‌بینی‌های مکرر درباره پایان سلطه دلار، تاکنون به واقعیت تبدیل نشده‌اند.

کتاب با مسیر تبدیل دلار به ارز مسلط جهان و تداوم این جایگاه پس از فروپاشی نظام برتون وودز آغاز می‌شود و نشان می‌دهد بحران‌های اقتصادی و ظهور قدرت‌های رقیب، بارها پیش‌بینی افول دلار را برانگیخته‌اند، اما این پیش‌بینی‌ها محقق نشده‌اند. کتاب ادعاهای مربوط به تهدید دلار از سوی یوآن چین و رمزارزها را بررسی می‌کند و میان ظهور ابزارهای پولی جدید و توانایی آنها برای جایگزینی یک ارز مسلط جهانی تمایز می‌گذارد. نویسنده توضیح می‌دهد که جایگاه دلار چگونه به آمریکا امکان می‌دهد از شبکه مالی بین‌المللی برای اعمال تحریم‌ها استفاده کند. او در عین حال نشان می‌دهد که کشورهای هدف، مانند روسیه، می‌توانند بخشی از آثار این فشارها را محدود کنند، بی‌آنکه لزوماً سلطه دلار پایان یابد. نتیجه‌گیری بلوستاین این است که سلطه دلار، با وجود فشارهای اقتصادی، فناورانه و ژئوپلیتیکی، همچنان از پشته‌ای برخوردار است که جایگزینی آن را دشوار می‌کند. با این حال، تداوم این سلطه تضمین شده و مستقل از عملکرد آمریکا نیست. در واقع قدرت جهانی دلار، علاوه بر ایجاد مزیت برای آمریکا، مسئولیت‌هایی نیز به همراه دارد. آمریکا می‌تواند از جایگاه پولی خود برای اعمال نفوذ استفاده کند، اما سیاست‌گذاری نادرست و تضعیف اعتماد بین‌المللی ممکن است به همان جایگاهی آسیب بزند که دهه‌ها در حفظ آن نقش داشته است. این کتاب در ۳۲۰ صفحه توسط انتشارات دانشگاه ییل در سال ۲۰۲۵ منتشر شده است.



عصر گسست: چگونه بازگشت ژئوپلیتیک اقتصاد جهانی را بخش بندی خواهد کرد؟

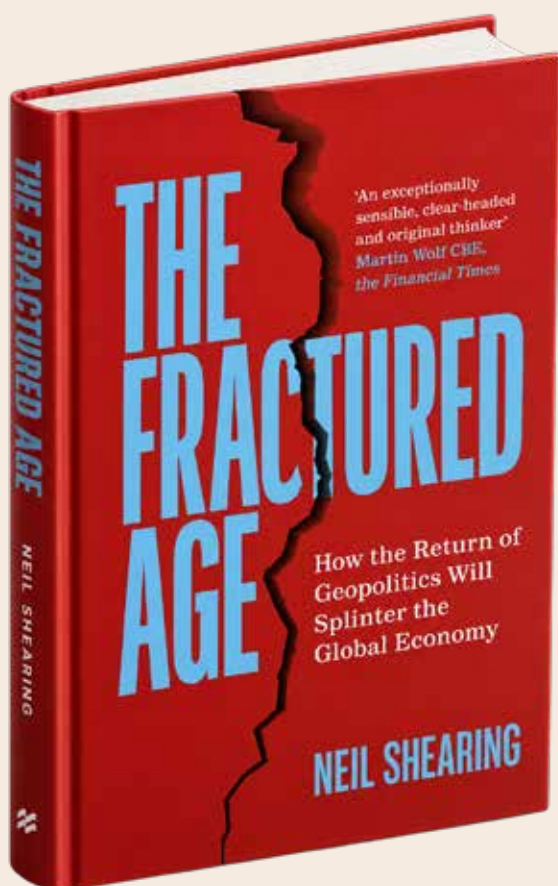
The Fractured Age: How the Return of Geopolitics Will Splinter the Global Economy

آیا بازگشت رقابت‌های ژئوپلیتیکی به معنای پایان جهانی‌شدن است؟ اقتصاد جهانی در دهه پیش رو چگونه میان بلوک‌های سیاسی و اقتصادی مختلف تقسیم خواهد شد و این تحولات چه پیامدهایی برای تجارت، سرمایه‌گذاری و دسترسی کشورها به منابع و فناوری خواهد داشت؟ نیل شیرینگ، اقتصاددان ارشد گروه مؤسسه پژوهشی Capital Economics و عضو وابسته برنامه اقتصاد جهانی در مؤسسه چتم‌هاوس، در کتاب «عصر گسست: چگونه بازگشت ژئوپلیتیک اقتصاد جهانی را بخش بندی خواهد کرد» به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد.

شیرینگ استدلال می‌کند که اقتصاد جهانی در حال ورود به دوره‌ای است که در آن ملاحظات ژئوپلیتیکی، بیش از گذشته، مسیر روابط اقتصادی کشورها را تعیین می‌کنند. از نظر او، بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ و شکل‌گیری بلوک‌های اقتصادی، به معنای توقف کامل جهانی‌شدن نیست، بلکه می‌تواند به تغییر شکل آن و ایجاد شکاف‌های جدید در تجارت، سرمایه‌گذاری و جریان‌های مالی منجر شود.

کتاب با بررسی دگرگونی نظم جهانی، به چگونگی شکل‌گیری بلوک‌های ژئوپلیتیکی و پیامدهای اقتصادی آن‌ها می‌پردازد. نویسنده توضیح می‌دهد که اندازه و تنوع اقتصادی این بلوک‌ها بر الگوی تجارت کالا، جریان سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و دسترسی به مواد معدنی حیاتی اثر می‌گذارد. علاوه بر این، کتاب بررسی می‌کند که چگونه تغییر روابط میان آمریکا و چین و بازآزایی پیوندهای اقتصادی کشورها، فرصت‌ها و محدودیت‌های متفاوتی برای اقتصادهای مختلف ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری شیرینگ این است که اقتصاد جهانی در حال حرکت به سوی نظامی چندپارتر است؛ نظامی که در آن، ملاحظات امنیتی و راهبردی در کنار عوامل اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌تری در تصمیم‌های دولت‌ها و بنگاه‌ها خواهند داشت. در چنین شرایطی، شناخت خطوط گسل جدید اقتصاد جهانی و پیامدهای آن‌ها برای تجارت، سرمایه‌گذاری و دسترسی به منابع، برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. این کتاب در ۳۲۰ صفحه توسط John Murray Press در سال ۲۰۲۵ منتشر شده است.





اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

